

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

با فولیتو فولی تو

زبان دوازدهم



آموزش زبان با نکات کاملاً کلیدی

زبان دوازدهم (3)

تهیه و تالیف :

مهندس شهرام نبفی

به نام سمیع سکوت ها و بصیر تاریکی ها

بی مقدمه:

چون نیازتان را می دانم
برای رفع آن تلاش می کنم
مهندس نجفی

نقطه ی پایان هر تصمیم بد، نقطه ی آغاز یک تصمیم خوب است.

روزی ما دوباره کبوتری همام را پیدا خواهیم کرد

و مهربانی دست زیبایی را فواید گرفت

روزی که کمترین سرود بوسه باشد

روزی که دیگر درهای خانه شان را نمی بندند

"قفل" واژه ای است؟؟؟؟

و قلب

برای زندگی بس است.

روزی که معنای هر سفر دوست داشتن است

تا تو به عنوان آفرین حرف دنبال سفر نگردی.

روزی که آهنگ هر حرف

زندگی است.

تا من به خاطر آفرین شعر رنج هست و جوی قافیه نبندم

روزی که تو بیایی، برای همیشه بیایی

و مهربانی با زیبایی یکسان شود

روزی که دوباره برای کبوترهایمان دانه بریزیم.

و من آن روز را انتظار می کشم حتی روزی که دیگر نباشم...

تقدیر به (همسرم)

انسانی که معلم تمام خوبی هاست...

Part one: grammar

بخش اول:

گرامر

Left hand rule

سایت رسمی انتشارات فولیتو
WWW.FULLITO.COM

TIMES

نکته فوق ففن :

زمان حال ساده :

کاربردها :

1) به اعمال عادت و تکراری اشاره می کند .

عزیزان توجه کنید که در این حالت اهمیتی ندارد که فعل مطرح شده هم اینک در حال انجام باشد یا نباشد بلکه فعل مطرح شده یک عمل عادت است که به صورت تکراری انجام می گیرد. و به همین دلیل این زمان را به همراه قیود تکرار می آورند.

Always , never , occasionally (گاه گاهی) , often , sometimes , usually , seldom , rarely , scarcely (به ندرت) , at times (گاهی) , every (هر) , on Mondays (Sundays , ...) , once , twice, (one , two , three, etc times a year)

1. I go to church on Sundays
2. She usually wakes up at 6 .
3. I go to school every day

2. برای اشاره به قوانین علمی یا وقایع همیشه صادق به کار می رود

The earth goes around the sun

In Canada, most stores close at 6:00 p.m.

3. می تواند به عملی که برای انجام شدن در آینده برنامه ریزی شده است اشاره کند و توجه داشته باشید که این برنامه ریزی معمولاً یک برنامه مشخص رسمی بر طبق یک جدول زمانی است (مثلاً آمدن و رفت مترو ، قطار و...)

What time does the film begin ?

The train leaves Boston at 7:25.

The football game starts at 8:00.

4. پس از کلمات ربطی زمانی که در زیر آمده اند اگر بلافاصله بخواهیم به زمان آینده اشاره کنیم ، می توانیم از زمان حال ساده استفاده کنیم .

When, while , as , until , as soon as

When it stops raining, we'll go out.

نکته ففن : قید هایی که همراه حال ساده می آیند :

توجه داشته باشید که در این زمان قید های تکرار استفاده می شوند و قید های تکرار تک کلمه ای قبل از فعل اصلی و قید های تکرار دو یا چند کلمه ای در انتهای جمله می آیند.

I have never visited Shiraz.

He goes to school every day.



1- I plan to find another apartment when I a better job.

- 1) get 2) got 3) will get 4) am getting

1- گزینه ی 1 صحیح است.

در بندری که قیدی به زمان، اشاره ندارد، باید از زمان آینده استفاده کرد. لذا با توجه به این نکته و نیز عدم استمرار عمل یافتن شغل، گزینه ی 1 درست است. و همانطور که گفته شد اگر بعد از کلمات ربط زمان حال ساده استفاده شود مفهوم آینده فواید داشت و به همین دلیل گزینه ای که دارای زمان حال ساده است انتخاب می شود

2- Be more patient. Five minutes long to wait.

- 1) Hasn't seemed 2) don't seem 3) doesn't seem 4) haven't seemed

2- گزینه ی 3 صحیح است.

زمان جمله به زمان حال اشاره می کند به این دلیل که با توجه به عبارت تاکیدری **be more patient** به معنای صبور باش اشاره به یک عمل عادی می کند و همانطور که می دانیم اعمال عادی باید با زمان حال ساده بیان شوند لذا حال ساده و از لحاظ مفرد یا جمع بودن، جمله سوم شصت مفرد به حساب می آید چون در **five minutes** تعداد دقیق مهم نیست بلکه زمان مهم است.

3- The committeethat the repairs will be expensive.

- 1) expects 2) expected 3) is expected 4) was expected

3- گزینه ی 1 صحیح است.

در این جمله مشاهده می شود که **the committee** فاعل جمله است. لذا گزینه های 3 و 4 که در دو وجه مجهولند نادرست می باشند. با توجه به جمله ی پس از **that** به زمان آینده می باشد، پس گزینه ی اول که فعل به زمان حال ساده می باشد صحیح است. «کمیت انتظار داشت که تعمیرات پرهزینه فواید بود» معنی جمله است که با گزینه 1 کامل می شود.
نکته فتن : به جای کلمه ربط زمان **when** می توان از **that** استفاده کرد

4- The bus to the science museumat 8 o'clock tomorrow morning.

- 1) leaves 2) is leaving 3) will leave 4) is going to leave

4- گزینه ی 1 صحیح است.

با توجه به اینکه جمله به برنامه های از قبل زمان بندی شده اشاره می کند باید از فعل زمان حال ساده حتی با وجود قید آینده استفاده کرد.

5- This man as well as all the boysthe pictures.

- 1) like 2) likes 3) have liked 4) don't like

5- گزینه ی «2» صحیح است.

بمط فاعل جمله This man می باشد، بنابراین گزینه های 1 و 3 و 4 نمی توانند جمله را کامل کنند.

معنی جمله: «این مرد مانند تمام پسرها تصاویر را دوست دارد.» با گزینه 2 کامل می شود.

توجه: گزینه های 1 و 4 ناصحیح اند زیرا فاعل جمله مفرد و غایب می باشد و در این صورت در زمان حال فعل S می گیرد. و در جهت منفی کردن از doesn't استفاده می شود. گزینه 3 نیز با توجه به فاعل جمله ناصحیح است. زیرا گزینه 3 به زمان حال کامل است و فاعل جمله مفرد و غایب می باشد و در این صورت فعل به صورت: (قسمت سوم فعل + has) فواید بود.

نکته فشن: دوست داشتن اشاره به یک عمل عادی دارد و اعمال عادی باید با زمان حال ساده بیان شوند

6- The accuracy of scientific observations and calculationsalways at the mercy of the Scientific's time keeping methods.

- 1) are 2) is 3) were 4) had been

6- گزینه ی «2» صحیح است.

با توجه به این که جمله خبری است و یک مفهوم همیشه درست را بیان می کند باید از زمان حال ساده استفاده کرد و با توجه به این که accuracy مفرد است پس is جواب درست است.

7- Money.....its value from the gold.

- 1) get 2) gets 3) is getting 4) was getting

7- گزینه ی «2» صحیح است.

زمان حال ساده بیانگر عملی است که به صورت عادت انجام می شود. همچنین برای بیان اعمالی که به صورت حقیقت همیشگی و یا مطابق موبود در طبیعت می باشند از این زمان استفاده می شود. «پول ارزش خود را از طلا می گیرد.» معنی جمله است که با گزینه 2 کامل می شود. گزینه 1 صحیح نمی باشد زیرا money فاعل غایب و مفرد می باشد پس به انتهای فعل در زمان حال ساده باید S و با es افزوده شود. سایر گزینه ها صحیح نمی باشند زیرا آنپنان که از مفهوم جمله برمی آید، جمله بیانگر یک حقیقت همیشگی می باشد بنابراین باید به زمان حال ساده باشد.

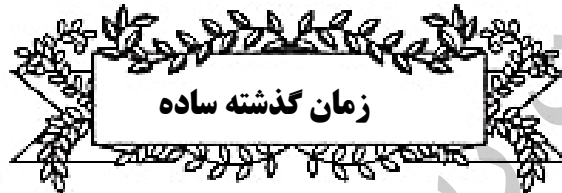
شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را بنویسید.

1. they(wait) for us on the corner now.
2. listen! I think the telephone(ring)
3. I see that you(wear) your new suit today.

سایت رسمی انتشارات فولیتو
WWW.FULLITO.COM

1. the plane..... (leave) Buenos AIARES last night at midnight.

2. Helen(bring) her cousin to the party last night.



"Did you talk to Mr. Tehrani yesterday?"

"yes, but Ito give him your message."

- 1) forgot 2) have forgotten 3) would forgotten 4) was forgotten

گزینه ی 1 صحیح است.

قاعده تطابق زمانها: این قاعده بیانگر آن است که اگر در زبان انگلیسی عبارتی از یک جمله (جمله پایه) به زمان گذشته باشد سایر عبارات (جملات پیرو) آن جمله نیز باید به زمان گذشته باشد.

در این سؤال، جمله سوالی به زمان گذشته می باشد، بنابراین جمله جواب نیز باید به زمان گذشته باشد. گزینه 2 صحیح نیست زیرا به زمان حال کامل است. گزینه 3 صحیح نیست اگر چه به زمان آینده در گذشته است، زیرا این زمان بیانگر عملی است که در آینده ای نسبت به زمان گذشته بکار می رود و بیشتر در جملات شرطی نوع دوم کاربرد دارد. مثال:

If I were you, I would go there. اگر جای تو بودم به آنجا می رفتم.

گزینه 4 صحیح نیست، زیرا وجه فعل، مجهول می باشد در حالیکه جمله دارای فاعل (I) می باشد.

«آیا تو با آقای تهرانی دیروز صحبت کردی؟» «بله، ولی فراموش کردم که پیامت را به او بدهم.» معنی جمله است که با گزینه 1 کامل می شود زیرا این گزینه به زمان گذشته ساده است و نشان می دهد که کاری در گذشته انجام شده است.

It's about time you.....this job.

- 1) gave up 2) give up 3) will give up 4) have given up

گزینه ی 1 صحیح است.

بعد از ساختار قسمت اول جمله، استفاده از زمان گذشته (gave up) ضرورت دارد.

بعد از عبارت it's about time به معنای وقتش رسیده است متما باید جمله به زمان گذشته استفاده شود

When he was an elementary school student, he.....to school.

- 1) was walking 2) has walked 3) had walked 4) walked

گزینه‌ی «4» صحیح است.

وقتی او شاگرد مدرسه ابتدایی بود پیاده به مدرسه می‌رفت. (انتخاب این گزینه معرف آن است که شخص این کار را بصورت عادی در گذشته انجام می‌داد.)

نکته فحن: همانطور که می‌دانید اگر عملی در گذشته انجام شده باشد و در همان گذشته نیز تمام شده باشد برای بیان آن باید از زمان گذشته ساده استفاده کرد

It's about time you.....thinking about setting up your own business.

- 1) start 2) started 3) have started 4) should start

گزینه‌ی «2» صحیح است.

بعد از **it is (about) time** جمله را به صورت گذشته ساده (قسمت دوم فعل) به کار می‌بریم. معنی جمله: زمانش رسیده است که در مورد راه اندازی کسب و کار جدیت شروع به فکر کنی.

Theyleave the party early because John was sick.

- 1) have to 2) must 3) had to 4) has to

گزینه‌ی «3» صحیح است.

زمان گذشته‌ی ساده می‌باشد.

در جمله دوم کلمه **was** کاملاً مشهود است و پیاکنک این است که جمله دارای زمان گذشته است

While I was looking out of the window, I.....a strange man enter the house.

- 1) have seen 2) saw 3) had seen 4) was seen

گزینه‌ی «2» صحیح است.

به دلیل همزمان بودن گزینه دو صحیح است

و چون **was looking** در جمل اول خود گویای این است که جمله دارای زمان گذشته است و طبق قاعده تطابق زمان ها

جمله دوم نیز باید دارای زمان گذشته باشد

گزینه سوم دارای زمان گذشته کامل است که جلوتر فرا خواهد گرفت و گزینه ی چهارم نیز مجهول است که با توجه به فاعل

ا احتمال مجهول بودن نیز رد می شود

1. theyin the restaurant on the corner when I saw them. (eat)

2. it(rain) when I left home.

3. when you telephoned , I(have) dinner.



When I saw the gardener, hedown a tree.

- | | |
|-----------------------|--------------------|
| 1) had I been cutting | 2) will be cutting |
| 3) was cutting | 4) is cutting |

گزینه‌ی «3» صحیح است.

با توجه به وجود عبارت **when I saw the gardener** در جمله که به زمان گذشته ساده است، گزینه‌های 2 و 4 که به ترتیب به زمانهای آینده استمراری و حال استمراری می‌باشند ناصحیح‌اند. زیرا در زبان انگلیسی اگر در یک جمله پایه و پیرو فعل یکی از جملات به زمان گذشته باشد، افعال سایر قسمت‌ها نیز باید به زمان گذشته باشند. (به این قاعده تطابق زمانها گفته می‌شود.) «وقتی باغبان را دیدم، او در حال بریدن یک درخت بود.» معنی جمله است که با گزینه 3 کامل می‌شود. توجه: گزینه 1 ناصحیح است. زیرا این گزینه فعل به زمان گذشته کامل استمراری است که بیانگر عملی است که در گذشته قبل از عمل دیگری به صورت تکرار انجام شده است. و در اینجا نمی‌تواند معنی جمله را کامل کند.

"When did you finish your homework?"

"I did while youto the radio."

- | | |
|------------------------|-------------------|
| 1) have listened | 2) listened |
| 3) have been listening | 4) were listening |

گزینه‌ی «4» صحیح است.

While به معنای «در حالیکه - وقتی که» بصورت زیر در زمانهای گذشته بکار می‌رود:
جمله به زمان گذشته استمراری + **while** + جمله به زمان گذشته شده

I ate my lunch while you were watching T.V.

جمله به زمان گذشته ساده، جمله به زمان گذشته استمراری **while**

While you were watching T.V, I ate my lunch.

جمله به زمان گذشته استمراری، جمله به زمان گذشته استمراری **while**

While you were watching T.V., I was eating my lunch.

در جمله مورد بحث در این سؤال، قبل از **while** گذشته ساده بکار رفته است، بنابراین جمله بعد از آن باید به صورت گذشته استمراری باشد. «تکالیفت را کی تمام کردی؟» «در حالی که تو داشتی به رادیو گوش می‌کردی، من آن را انجام دادم.» معنی جمله است که با گزینه 4 کامل می‌شود.

The boy.....but I dived into the water and saved him.

- 1) drowned 2) had drowned 3) was drowning 4) has-been drowning

گزینه‌ی (3) صحیح است.

با توجه به این که جمله‌ی پس از **but** به زمان گذشته است، جمله‌ی اول نیز باید به همان زمان باشد. در ضمن در این سوال، حالت تکرار و استمرار فعل مورد نظر است و گذشته‌ی 3 که به زمان گذشته‌ی استمراری است، جمله را کامل می‌نماید.

At seven o'clock this morning, my fatherin the garden.

- 1) is working 2) worked 3) was working 4) works

گزینه 3 صحیح است

اشاره به عملی دارد که در زمان مشفصی از گذشته انجام شده است

نکته فخری :

زمان حال ساده بیانگر عملی است که به صورت عادت انجام می‌شود. همچنین برای بیان اعمالی که بصورت حقیقت همیشگی و یا مطابق همیشه ثابت به کار می‌رود. گذشته استمراری جهت بیان انجام عملی بکار می‌رود که در زمانی در گذشته در حال انجام بوده و یا تکرار می‌شده است. و ساختار آن به صورت زیر است:

بقیہ جملہ + ing + فعل + was + فاعل
were

She was doing her homework when I arrived.

«او در حال انجام تکالیفش بود که پدرش رسید.»

در جمله مورد بحث در این سؤال بدلیل وجود قید زمان گذشته (At seven o'clock this morning = در ساعت هفت صبح امروز) گزینه‌های 1 و 4 که به ترتیب به زمانهای حال استمراری و حال ساده می‌باشند نامصحیح‌اند. گزینه 2 نیز که به زمان گذشته ساده می‌باشد نامصحیح است. زیرا این زمان بیانگر عملی است که در زمان گذشته انجام شده و پایان یافته است. در صورتی که در این سؤال حالت استمرار و تکرار عمل «کار کردن» (to work) مورد نظر می‌باشد.

معنی جمله: «در ساعت هفت امروز صبح پدرم در حال کار کردن در باغ بود.» با گزینه 3 کامل می‌شود.

Markto the radio whilein a traffic jam.

- 1) listened, sat 2) was listening, sitting
3) was listening, he sat 4) listening, he was sitting

گزینه‌ی (2) صحیح است.

از آنجا که هر دو عمل استمرار داشته است، این گزینه 2 صحیح است.

قید ها و نشانه های زمان حال کامل :

توجه تپل (1) اگر طول زمان با شروع شود انگاه از استفاده نخواهد شد

They have worked all night (for all night نه)

توجه تپل (3) عبارات (از آن موقع که) و (از آن موقع تا به حال) می توانند با ماضی نقلی بیایند.

He had a car crash last year and has been off work since then (or – ever since)

(3) وجود قید نامشخص در انتهای جمله :

I have met jack before.

(4) وجود ترکیبات زیر نیز خود بیانگر استفاده از زمان حال کامل می باشد.

During the past 2 years (در طول 2 سال گذشته)

In a long time (به مدتی طولانی)

(5) همراه و نیز موارد مشابه باید از زمان حال کامل استفاده شود

This is the first time I have driven a car.

It's the second time Mary has lost her passport.

1. I(speak) to him about it several times.

2. we(finish) all our homework.

3. he(visit) us many times.

I'd better have a shower . I oneThursday.

a) haven't – since

b) didn't have- for

c) haven't had-since

d) haven't had-for

گزینه 3 صحیح است

اشاره به عملی دارد که در گذشته انجام شده و الان می توان نشانه های آن را دید

معنی جمله: من از سه شنبه تا به حال دوش نگرفته ام

Ronald had to work yesterday. The work went on all day. He all day.

a) has worked

b) is working

c) was working

d) is going to work

گزینه 3 صحیح است

کول خوردید ، درسته ؟ فکر کردید چون درس در مورد حال کامل هست شما تست ها هم حال کامل هستند ؟

فواستم بکم خواستون رو جمع کنید . شاید تله تستی داشته باشیم.

دوستان توجه کنید که این تست بیانگر عملی است که در زمان مشخصی از گذشته در حال انجام بوده است . پس برای بیان آن از گذشته استمراری استفاده می کنیم

A: "we must find out the address."

B: "it's all right. I

.....it."

a) have ever remembered

b) have just remembered

c) just remembered it

d) ever have remembered

گزینه 2 صحیح است

Just (به تازگی , همین الان , درست همین الان) از نشانه های زمان حال کامل استو بین فعل کمکی و قسمت سوم فعل به کار می رود

When jack was at school, he.....to play the saxophone. Heit ever since.

a) has learned – has played

b) learned – has played

c) learned – played

d) has learned – played

گزینه 2 صحیح است

اگر توجه کنید ما با تستی رو به رو هستیم که از دو جمله تشکیل شده است . و در جمله اول طبق قاعده تطابق زمان ها باید بای فالی را به زمان گذشته استفاده کنیم ولی در جمله ی دوم به دلیل وجود کلمه ever since باید از زمان حال کامل استفاده شود

Peterto Paris last year. That means that heto Paris three times.

a) went – has been

b) went – was

c) has gone – was

d) has gone – has been

گزینه 1 صحیح است

همانطور که مشاهده می کنید در جمله ی اول کلمه ی last year وجود دارد و بیانگر زمان گذشته ساده می باشد. اما در جمله ی دوم به عملی اشاره می کند که از گذشته تاکنون چند بار تکرار شده است و ب همین دلیل از حال کامل استفاده می شود

قیود و نشانه های زمان گذشته کامل :

When , before , till , until , after , already

1. When she had washed the dishes , she went to the bed.
2. He had left the party before they served dinner.
3. He left the party before they had served dinner
4. After he had cleaned this room , he sat down to watch the film.

(2) (تا) در فرمول های زیر بیانگر استفاده از زمان گذشته کامل می باشد.

Past perfect +

By + قید گذشته

By the time + جمله با زمان گذشته

I had read a lot of books by the end of last year.

I had cleaned up my room by the time my brother came back.

1. he said he(look) everywhere for the book.

2. Helen(leave) by the time we arrived.

3. the police reported that they finally(capture) the thief.



After they had gone a long way, theyto do something.

1) stopped

2) had stopped

3) stop

4) have stopped

گزینه ی (1) صحیح است.

گذشته ساده + before + گذشته کامل

، پاسخ 1 صحیح است.

گذشته کامل + after + گذشته ساده

طبق الگوی:

گذشته ساده، گذشته کامل + after

نکته ففن : اگر بخواهیم درباره عملی صحبت کنیم که در گذشته قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده از ماضی بعید (گذشته

کامل) استفاده می‌کنیم. اما مواستان باشد که عمل دیگر باید به زمان گذشته ساده به کار می‌رود.

When I spoke to the woman, I realized that Iher somewhere.

- 1) have met 2) would have met
3) had met 4) am going to meet

گزینه ی «3» صحیح است.

اشاره به دو عمل دارد که یکی زودتر از دیگری انجام شده است و عملی که زودتر انجام شده است را با زمان گذشته کامل بیان می کنیم به معنی جمله تویه کنید؛
معنی جمله: «وقتی با آن زن صحبت می کردم، متوجه شدم که او را قبلاً بایی دیده بودم.»

Parviz had already finished his lunch when his friend

- 1) came 2) has been coming
3) had come 4) was coming

گزینه ی «1» صحیح است.

زمان ماضی بعید (گذشته کامل) برای بیان عملی است که پیش از انجام عمل دیگری صورت گرفته است. هم چنین برای بیان عملی که در زمان گذشته، پیش از زمان معینی صورت گرفته و کامل شده، از ماضی بعید استفاده می شود و ساختار آن به صورت زیر است:

بقیه جمله + اسم مفعول + had + فاعل

جملات به زمان ماضی بعید معمولاً دارای دو قسمت یکی به زمان گذشته کامل و دیگری به زمان گذشته ساده می باشد و این ساختار، نشانگر آن است که فعلی که به صورت ماضی بعید قبل از فعلی که به زمان گذشته ساده می باشد انجام گرفته است. در این حالت برای ربط دو جمله از کلمات ربط **before**، **when** و **after** با ساختارهای فوق استفاده می شود.

جمله به زمان گذشته کامل (ماضی بعید)، جمله به زمان گذشته ساده **before/when**

Before/ when she left, I had arrived there

و یا جمله به زمان گذشته ساده **before/when** جمله به زمان ماضی بعید

I had arrived there before/ when she left.

جمله به زمان گذشته ساده، جمله به زمان ماضی بعید **After**

After I had arrived, she left there.

و یا جمله به زمان گذشته کامل (ماضی بعید) **after** جمله به زمان گذشته ساده

She left there after arrived.

«پرویز غزایش را تازه تمام کرده بود وقتی که دوستش آمد.» معنی جمله است که با گزینه 1 کامل می شود.

Mina said that the sheEnglish after class the previous day.

- 1) would study 2) has studied 3) studied 4) had studied

گزینه 2 صحیح است

در تست قبل توضیحات لازم داده شده است

0000000

گزینه 4 صحیح است

When I telephoned, he.....there for two weeks.

- 1) has been 2) had been 3) is 4) was

گزینه 2 صحیح است

I couldn't buy ticket because Imy money.

- 1) had forgotten 2) forgot 3) have forgotten 4) forget

گزینه 1 صحیح است

اگر توجه کنید بیانگر دو عمل است که یکی قبل از دیگری انجام شده است به معنای جمله توجه کنید.

معنی جمله: من نتوانستم بلیط بخرم چون پول خود را فراموش کرده بودم.

مطالب پایه : نحوه سوالی و منفی کردن جملات

سایت رسمی انتشارات فولیتو
WWW.FULLITO.COM

مطالب پایه : wh های پرشی

سایت رسمی انتشارات فولیتو
WWW.FULLITO.COM

1. he can see her later. (when)

.....

2. she must wait here. (where)

.....

3. you may smoke here . (where)

.....

4. he is very sick. (how sick)

.....

تفاوت های میان و

(1) قصد به انجام عملی در زمان آینده :

الف) اگر تصمیم در لفظ صحبت گرفته شود آنگاه از استفاده خواهیم کرد.

Ariamehr : my bicycle has a flat tire . can you fix it for me ?

Shahram : oh , is that so ? ok. I will fix it tomorrow.

ب) اگر تصمیم از قبل گرفته شده باشد آنگاه از استفاده خواهیم کرد.

Ariamehr : my bicycle has a flat tire . can you fix it for me ?

Shahram : yes I know. Your mother has already told me . I'm going to fix it tomorrow.

الف) اگر پیش بینی بر اساس شواهد و قرائن باشد آنگاه از استفاده خواهیم کرد

Look at those black clouds ! it is going to rain.

ب) اگر منظور از پیش بینی ، ابراز عقیده شفاهی در مورد چیزی باشد آنگاه از استفاده خواهیم کرد.

I think Sarina will like the present you bought for him.

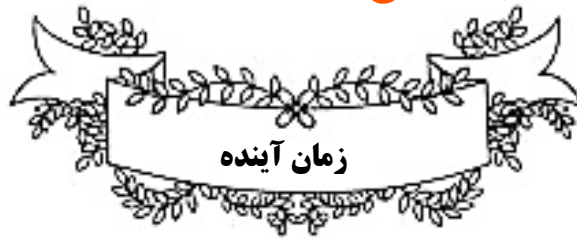
(shall

این کلمه همانند رفتار می کند و لازم به توضیح است که فاعل آن فقط اول شخص می تواند باشد یعنی و و در ضمن این کلمه از کمتر رایج است و این کلمه برای مقاصد (پیشنهاد دادن - تقاضا برای راهنمایی) استفاده می شود.

Shall we take a taxi?

What shall I do next?

Let's go , shall we ?



I hope that it.....nice tomorrow.

- 1) shall be 2) is 3) be 4) will be

گزینه ی «4» صحیح است.

آینده ی ساده است. و نشانه آن کلمه tomorrow می باشد.

A: I that the phone?

B: Don't worry. Iit in a minute.

- 1) get 2) will get 3) am getting 4) am going to get

گزینه ی «2» صحیح است.

با توجه به وقوع عمل بدون برنامه ریزی قبلی گزینه 2 صحیح است.

A: Mr. Walter can't see you until 4 o'clock.

B: In that case, I

- 1) don't wait 2) won't wait
3) am not waiting 4) am not going to wait

گزینه ی «2» صحیح است.

نظر به وقوع عمل در آینده و عدم برنامه ریزی قبلی برای آن، گزینه 2 درست است.

I'm very busy this week. I have to finish this workThursday.

- 1) in 2) on 3) by 4) until

گزینه ی «3» صحیح است.

برای بیان وقوع تا زمانی خاص در آینده باید از by استفاده کرد.

LESSON

ONE

درسی

یک

حس قدر دانی sense of

appreciation

ACTIVE AND PASSIVE

معلوم و مجهول

ACTIVE AND PASSIVE

معلوم و مجهول

سایت رسمی انتشارات فولیتو
WWW.FULLITO.COM

ACTIVE AND PASSIVE

معلوم و مجهول

سایت رسمی انتشارات فولیتو
WWW.FULLITO.COM

Put the verb into the correct form, present simple or past simple, active or passive.

1. it's a big factory. Five hundred people are employed there.
2. Water (Cover) most of the earth's surface.
3. The park gates (Lock) at 6.30 p.m. every evening.
4. The letter (Post) a week ago and it (Arrive) yesterday.
5. The boatsink) quickly but fortunately everybody (Rescue)
6. Ron's parents (Die) when he was very young. He and his sister (Bring) up by their grandparents.

تست های ترکیب زمان و مجهول

1. When does Mehdi arrive tomorrow?"

"He is going in the afternoon."

- 1) Arrive 2) arrives 3) arriving 4)) to arrive

2. "Did you have to wait a lot for your lunch?"

"No, it Before I got there."

- 1) Had been prepared 2) had prepared 3) prepared 4) was preparing

3. "Is the class busy?"

"Yes, the students arepronunciation."

- 1) Practice 2) practiced 3) practices 4) practicing

4. "Has anybody called today?"

"The telephone has not rungI came."

- 1) Before 2) for 3) since 4) until

5. "Did Reza sell his car to you?"

"No, itby my friend."

- 1) Bought 2) has bought 3) was bought 4) would buy

6. "Do you advise your son to study hard?"

"Sure. All parents want their children"

- 1) To be well educated 2) to be well educating
3) To have well educated 4) to well educate

7. "Which city produces good carpets?"

"Many good carpets in Kashan."

- 1) Are produced 2) are producing
3) Have produced 4) have being produced

8. "Do many people speak foreign languages here?"

"Yes, Frenchby a lot of people here."

- 1) Has spoken 2) speaks 3) is spoken 4) spoke

9. The cleaning of the roomsa lot of time.

- 1) It took 2) take 3) that takes 4) took

10. "Do you like Dr. Irani's new book?"

"Yes, it's the best book he"

- 1) Is ever writing 2) has ever written
3) Had ever written 4) was ever writing

Question tag

از آنجایی که سوالی کوتاه باید به کوتاه ترین شکل ممکن باشد . به همین دلیل همیشه در سوالی کوتاه به جای اسم اشخاص یا اشیا باید از ضمایر مربوط به آن ها استفاده کنیم.

Question tag

نکات خیلی ففن درس :

1. اگر در جمله اصلی قید منفی ساز وجود داشته باشد . آنگاه باید جمله دوم به صوت مثبت به کار رود.

قید های منفی ساز عبارتند از :

No , none , not , few , little , hardly , never , rarely

مثال :

He never speaks loudly , does he ?

2. اگر جمله اصلی با this یا that شروع شود آنگاه عتما در سوالی کوتاه از it استفاده می شود . اما مواستان باشد که اگر همین دو کلمه (this , that) با اسم انسان ترکیب شده باشند آنگاه عتما باید از ضمیر مناسب آن اسم انسان استفاده کنیم .

That isn't easy question , is it ?

That boy is a teacher , isn't he ?

3. اگر جمله ی اصلی با these یا those آغاز شده باشد آنگاه در سوالی کوتاه باید از they استفاده کنیم .

These are good books , aren't they?

4. اگر جمله اصلی با there آغاز شده باشد آنگاه در جمله پاسخ هم از همان there استفاده می شود.

There are fantastic book , aren't there ?

5. اگر جمله با let's آغاز شده باشد . آنگاه در جمله سوالی کوتاه باید از shall we استفاده کنیم .

Let's drink tea , shall we ?

6. اگر جمله ی امری با **don't** آغاز شده باشد . آنگاه در جمله سوالی کوتاه باید از **will you** استفاده کنیم .

Don't play football , will you ?

7. چنانچه فاعل جمله یکی از ضمای مبهم مانند **everybody , everyone , nobody , no one** , **somebody , someone** باشد در سوالی کوتاه از **they** استفاده می کنیم . ولی اگر با **everything , nothing , something** باشد . آنگاه به جای آن ها از ضمیر **it** استفاده می کنیم

Everyone are interested, aren't they?

Everything is ok, isn't it ?

8. اگر جمله شرطی باشد باید از فعل کمکی جمله نتیجه شرط در سوالی کوتاه استفاده کنیم .

If you study hard, you will pass the exam, won't you?

9. اگر جمله با **I think** آغاز شود متما سوالی کوتاه را بر اساس فاعل و فعل جمله پس از آن می سازیم

I think he is Norwegian, isn't he?

I don't think it will rain, will it?

برای جملات زیر سوالی کوتاه بسازید .

1. George left class early today,?

2. He is an excellent student,?

3. She has never gotten in touch with you,?

1. she / in / paris / sally / lives / doesn't / , / ?

.....

2. didn't yesterday / he / to / Tom / work / did / go / , / ?

.....

3. he / father / doesn't / speaks / four / your / languages / , / ?

.....

نمونه سوالات سنوات گذشته

1) This method is rarely used in modern laboratories,?

- a) Isn't it b) is it c) didn't it d) did it

2) Jill has to renew his driver's license,.....?

- a) Hasn't she b) doesn't she c) hasn't to Jill d) does she

3) Kamran's never been to shiraz,?

- a) Does he b) has he c) doesn't he d) hasn't he

4) Gray isn't working at the bank,?

- a) Is he b) is Gray c) isn't Gray d) does he

5) The students can't ever look at things from my point of view,?

- a) Can they b) cannot they c) can the students d) can't they

لغات دوازدهم :

Lesson

One:

درس

اول :

1	Accidentally	Synonym:
	تصادفا - اتفاقی	Antonym:

2	Active	Synonym:
	فعال	Antonym:

3	Addition	Synonym:
	جمع - اضافه	Antonym:

4	Advice	Synonym:
	توصیه - نصیحت	Antonym:

5	Again and again	Synonym:
	دوباره و دوباره	Antonym:

6	Agreement	Synonym:
	توافق - موافقت	Antonym:

7	Along with	Synonym:
	به علاوه - افزون بر	Antonym:

8	Aloud	Synonym:
	بلند - با صدای بلند	Antonym:

9	Appreciation	Synonym:
	قدردانی - درک و فهم	Antonym:

10	As follows به شرح زیر	Synonym:	
		Antonym:	
11	Author مؤلف - نویسنده	Synonym:	
		Antonym:	
12	Be born متولد شدن - به دنیا آمدن	Synonym:	
		Antonym:	
13	Belonging تعلق - وابستگی	Synonym:	
		Antonym:	
14	Diploma مدرک تحصیلی	Synonym:	
		Antonym:	
15	Diary دفتر قاطرات - دفتر یادداشت	Synonym:	
		Antonym:	
16	Dedicated متعهد - اختصاصی	Synonym:	
		Antonym:	
17	Dedicate وقف کردن - اختصاص دادن	Synonym:	
		Antonym:	
18	Cure معالجه کردن	Synonym:	
		Antonym:	
19	Cry گریه کردن	Synonym:	
		Antonym:	

20	Countless بی شمار	Synonym:
		Antonym:

21	Connecting رابط	Synonym:
		Antonym:

22	Confirm تایید کردن	Synonym:
		Antonym:

23	Compound مركب ، ترکیبی	Synonym:
		Antonym:

24	Combine ترکیب کردن	Synonym:
		Antonym:

25	Collection ترکیب	Synonym:
		Antonym:

26	Discover کشف کردن	Synonym:
		Antonym:

27	Distinguish کشف کردن	Synonym:
		Antonym:

28	Distinguished پرسته - ممتاز	Synonym:
		Antonym:

29	Doer انجام دهنده - ممتاز	Synonym:
		Antonym:

30	Either یا - هر يك	Synonym:
		Antonym:

31	Elder بزرگ تر - بزرگ	Synonym:
		Antonym:

32	Elderly سالموده - پير	Synonym:
		Antonym:

33	Elicit بيرون کشيزن - در آوردن	Synonym:
		Antonym:

34	Enjoyable لذت بخش - مطبوع	Synonym:
		Antonym:

35	Ethic اخلاق - اخلاقيات	Synonym:
		Antonym:

36	Feed غذا دادن به - تغذيه كردن	Synonym:
		Antonym:

37	Fix تعمير كردن - مصلح كردن	Synonym:
		Antonym:

38	Choose انتخاب كردن	Synonym:
		Antonym:

39	Childhood بچگی	Synonym:
		Antonym:

40	Chess شطرنج	Synonym:
		Antonym:

41	Center مرکز	Synonym:
		Antonym:

42	Catch گرفتن - مبتلا شدن	Synonym:
		Antonym:

43	Care for مراقبت کردن از	Synonym:
		Antonym:

44	Cancer سرطان	Synonym:
		Antonym:

45	Calmly به آرامی	Synonym:
		Antonym:

46	By the way راستی	Synonym:
		Antonym:

47	By heart از حفظ	Synonym:
		Antonym:

48	Burette منقهر کردن	Synonym:
		Antonym:

49	Bring up منقهر کردن	Synonym:
		Antonym:

50	Boost بالا بردن - افزایش دادن	Synonym:
		Antonym:

51	Blessing رحمت - عنایت	Synonym:
		Antonym:

52	Object شی - هدف	Synonym:
		Antonym:

53	Once یک بار - یک دفعه	Synonym:
		Antonym:

54	On the other hand از طرف دیگر	Synonym:
		Antonym:

55	Ordinary معمولی	Synonym:
		Antonym:

56	Passive میهنول	Synonym:
		Antonym:

57	Pause مکث کردن	Synonym:
		Antonym:

58	Peaceful آرام - صلح طلب	Synonym:
		Antonym:

59	Physician پزشک - طبیب	Synonym:
		Antonym:

60	Pigeon کبوتر	Synonym:	
		Antonym:	
61	Pity رهم - ترمم	Synonym:	
		Antonym:	
62	Poetry شعر - شاعری	Synonym:	
		Antonym:	
63	Principle اصل - قاعده	Synonym:	
		Antonym:	
64	Process فرآیند - روش	Synonym:	
		Antonym:	
65	Hug در آغوش گرفتن	Synonym:	
		Antonym:	
66	Home land وطن - میهن	Synonym:	
		Antonym:	
67	Heritage میراث	Synonym:	
		Antonym:	
68	Hear of شنیدن	Synonym:	
		Antonym:	
69	Hate نفرت داشتن از	Synonym:	
		Antonym:	

70	Hard of hearing گوش کسی سنگین بودن	Synonym:	
		Antonym:	
71	Guideline رهنمود - توصیه	Synonym:	
		Antonym:	
72	Grand child نوه	Synonym:	
		Antonym:	
73	Go together همراه هم بودن	Synonym:	
		Antonym:	
74	Generation تولید - نسل	Synonym:	
		Antonym:	
75	Generate تولید کردن - به وجود آوردن	Synonym:	
		Antonym:	
76	Found تاسیس کردن - ایجاد کردن	Synonym:	
		Antonym:	
77	Forgive بخشیدن - عفو کردن	Synonym:	
		Antonym:	
78	No surprisingly تعجبی ندارد	Synonym:	
		Antonym:	
79	Moral نتیجه اخلاقی	Synonym:	
		Antonym:	

80	Meaningful با معنی	Synonym:
		Antonym:

81	Lower پایین آوردن - کم کردن	Synonym:
		Antonym:

82	Loving مهربان - با محبت	Synonym:
		Antonym:

83	Location محل - جا	Synonym:
		Antonym:

84	Lap پا	Synonym:
		Antonym:

85	Kindness مهربانی - لطف	Synonym:
		Antonym:

86	Kindly با مهربانی	Synonym:
		Antonym:

87	Interestingly جالب است که	Synonym:
		Antonym:

88	Install نصب کردن	Synonym:
		Antonym:

89	Inspiration منبع الهام	Synonym:
		Antonym:

90	Identity هویت	Synonym:
		Antonym:

91	Responsibility مسئولیت	Synonym:
		Antonym:

92	Reply جواب دادن	Synonym:
		Antonym:

93	Replace جایگزین کردن	Synonym:
		Antonym:

94	Repeatedly بارها و بارها	Synonym:
		Antonym:

95	Religious دینی و مذهبی	Synonym:
		Antonym:

96	Regarding در ارتباط با	Synonym:
		Antonym:

97	Regard تلقی کردن	Synonym:
		Antonym:

98	Record ثبت کردن	Synonym:
		Antonym:

99	Receive دریافت کردن	Synonym:
		Antonym:

100	Rather than به جای	Synonym:	
		Antonym:	
101	Quantity کمیت - مقدار	Synonym:	
		Antonym:	
102	Provide تامین کردن	Synonym:	
		Antonym:	
103	Score نمرخ - امتیاز	Synonym:	
		Antonym:	
104	Sense احساس - حس	Synonym:	
		Antonym:	
105	Sense of appreciation قدر شناسی	Synonym:	
		Antonym:	
106	Series رشته - سلسله	Synonym:	
		Antonym:	
107	Shout فریاد کشیدن	Synonym:	
		Antonym:	
108	Signal علامت دادن - خبر دادن از	Synonym:	
		Antonym:	
109	So بنابر این	Synonym:	
		Antonym:	

110	Sofa کتابچه	Synonym:	
		Antonym:	
111	Solution راه حل	Synonym:	
		Antonym:	
112	Sometime زمانی - روزی	Synonym:	
		Antonym:	
113	Sound صدرا	Synonym:	
		Antonym:	
114	Spare مشافیه کردن - دریغ کردن	Synonym:	
		Antonym:	
115	Vase گلدان	Synonym:	
		Antonym:	
116	Unnatural غیر طبیعی	Synonym:	
		Antonym:	
117	Uncertainly غیر طبیعی	Synonym:	
		Antonym:	
118	Uncertainly نامطمئن	Synonym:	
		Antonym:	
119	Tool ابزار	Synonym:	
		Antonym:	

120	Textbook کتاب درسی	Synonym:	
		Antonym:	
121	Terrible ومشتاک	Synonym:	
		Antonym:	
122	Temperature دما - درجه حرارت	Synonym:	
		Antonym:	
123	Teenager نوجوان	Synonym:	
		Antonym:	
124	Tear اشک	Synonym:	
		Antonym:	
125	Take a rest استراحت کردن	Synonym:	
		Antonym:	
126	Tag question پرسش تأییدی	Synonym:	
		Antonym:	
127	Suddenly ناگهان	Synonym:	
		Antonym:	
128	Such چنین - اینطور	Synonym:	
		Antonym:	
129	Strength قوی - قدرتمند	Synonym:	
		Antonym:	

130	Yet هنوز	Synonym:	
		Antonym:	
131	Willing مشتاق	Synonym:	
		Antonym:	
132	While مرت - وقت	Synonym:	
		Antonym:	
133	Whereby که با آن - که از طریق آن	Synonym:	
		Antonym:	
134	What's wrong with اتفاقی برای کسی افتادن	Synonym:	
		Antonym:	
135	Robber سارق - دزد	Synonym:	
		Antonym:	
136	Present حاضر - موجود	Synonym:	
		Antonym:	
137	Parrot طوطی - طوطی صفت	Synonym:	
		Antonym:	
138	Note دقت کردن	Synonym:	
		Antonym:	
139	Lack فقران - کمبود	Synonym:	
		Antonym:	

140	Inform مطلع کردن	Synonym:	
		Antonym:	
141	Honor افتخار	Synonym:	
		Antonym:	
142	Hence بعد - دیگر	Synonym:	
		Antonym:	
143	Handle مدیریت کردن	Synonym:	
		Antonym:	
144	Gulf خلیج - شکاف	Synonym:	
		Antonym:	
145	Grateful سپاسگزار - متشکر	Synonym:	
		Antonym:	
146	Fridge یخچال	Synonym:	
		Antonym:	
147	Failure شکست - ناکامی	Synonym:	
		Antonym:	
148	Appreciate قدر دانستن	Synonym:	
		Antonym:	
149	As چون - وقتی که	Synonym:	
		Antonym:	

150	Cage قفی - محفظه	Synonym:
		Antonym:

151	Carry حمل کردن	Synonym:
		Antonym:

152	Cousin فرزند عمه - عمو - قاله یا دایی	Synonym:
		Antonym:

153	Deserve استحقاق داشتن	Synonym:
		Antonym:

154	Duty وظیفه - کار - خدمت	Synonym:
		Antonym:

155	End in ختم شدن	Synonym:
		Antonym:

156	Within در - درمحدوده	Synonym:
		Antonym:

157	Unreal غیر واقعی - باور نکردنی	Synonym:
		Antonym:

158	Unconditionally بدون قید و شرط	Synonym:
		Antonym:

159	Thus بدین ترتیب - بنا بر این	Synonym:
		Antonym:

160	Steal دزدیدن	Synonym:
		Antonym:

هم نشین ها : کلماتی هستند که مجازند با یکدیگر استفاده شوند و در ترکیبات دیگر قابل قبول

به هم نشین ها collocation هم گفته می شود .

ترکیبات درست	ترکیبات غلط
quick meal غذای حاضری	Fast meal
strong wind باد تند , باد شدید	Strong rain
heavy rain باران شدید	Heavy wind
make a mistake اشتباه کردن	Make exercise
do exercise ورزش کردن	Do a mistake
Read a newspaper خواندن یک روزنامه	Study a newspaper
hard of hearing سنگین گوش	Difficult of hearing
sit on the sofa روی کاناپه نشستن	Sit at the sofa

نیستند. و هم نشین های مهم درس اول عبارتند از :

در مورد سوالات collocation باید این توضیح را بدهم که سوالات مربوط به همنشینی را نصف می کنند و نصف آن را در قسمت اول می دهند و نصف آن را در قسمت دوم و شما باید آن دو را به هم وصل کنید.

Burst into tears زدن زیر گریه	Elderly people افراد مسن
By heart از حفظ خواندن	Brain function عملکرد مغز
Learn by heart حفظ کردن	First of all قبل از هر چیز
Catch the flu به آنفلونزا مبتلا شدن	A little later بعد از مدت کمی
Shout at sb سر کسی داد زدن	After a little while بعد از مدت کمی
Hear of sb/sth درباره چیزی یا کسی شنیدن	Again and again دوباره و دوباره
Inform sb of / about sth در مورد چیزی به کسی اطلاع دادن	Ups and downs پستی و بلندی
Receive education آموزش دیدن	All the time همیشه - همواره
Go to sleep به خواب رفتن	Of all time در تمام دوران
Feel angry عصبانی شدن	On one's own تنها - به تنهایی
Feel honored افتخار کردن	Sit on sb's lap روی پاهای کسی نشستن
Keep doing sth به کاری ادامه دادن	Most/more importantly از همه مهمتر اینکه
Keep diary خاطرات خود را نوشتن	More interestingly جالب تر اینکه
Make a mistake اشتباه کردن	Not surprisingly عجیب نیست که
Show respect to sb به کسی احترام گذاشتن	The children's medical center مرکز طبی کودکان
Spare no pains to do sth از هیچ کاری مضایقه نکردن	Sense of belonging احساس تعلق
Take a rest استراحت کردن	Sense of appreciation حس قدردانی
Take sb's temperature تب کسی را اندازه گرفتن	Be known as شناخته شدن - معروف بودن برای
Take care of sb از کسی مواظبت کردن	Go through تجربه کردن
Be angry for sb از دست کسی عصبانی بودن	Be remembered for sth معروف بودن به خاطر چیزی
Be helpful to sb به کسی کمک کردن	Regard sb as قلمداد کردن
He hard of hearing گوش کسی سنگین بودن	It's a pity حیف شد . مایه تأسف است

Be proud of افتخار کردن به	What's wrong with him ? چشہ ؟ مشکل چیه ؟
Be at the top of all در راس همه بودن	What I can add at the end چیزی که در آخر می تونم اضافه کنم
Be willing to do sth خواستن که - مایل بودن	How's everything ? اوضاع چطوره ؟
Be worth (doing sth) ارزش کاری را داشتن	Take responsibility for مسئولیت چیزی یا کسی را قبول کردن
By accident اتفاقی - تصادفی	By the way راستی

پاسخ ستون اول را از ستون دوم بیابید :

1. Spare no

2. Burst

3. Learn the holy Quran

4. Receive

5. be hard

6. Quite by

a. by heart

b. of hearing

c. of appreciation

d. pains to cure sick children

e) religious education

f) into tears

g) Accident

<p>Found = start تاسیس کردن</p> <p>Reply = answer پاسخ دادن</p> <p>Lower = decrease کم کردن = کاهش دادن</p> <p>Develop = produce, make تولید کردن</p> <p>Record = write down یادداشت کردن - نوشتن</p> <p>Boost = increase , raise زیاد کردن - افزایش دادن</p> <p>Care for = look after – take care of مراقبت کردن از</p> <p>Poetry = poems شعر</p> <p>Author= writer نویسنده</p> <p>Physician =doctor پزشک = دکتر</p> <p>For instance = for example برای مثال</p> <p>Solution = answer پاسخ - جواب</p> <p>Regard = attention توجه</p> <p>Principles= morals, ethics اصول اخلاقی</p> <p>Guideline=advice توصیه</p> <p>Regarding= about درباره - در مورد</p>	<p>Distinguished = famous, well- known معروف , مشهور</p> <p>Elderly = old</p> <p>Close = friendly صمیمی</p> <p>Ordinary = normal , usual عادی - معمولی</p> <p>Enjoyable = pleasant خوشایند - دلپذیر</p> <p>Willing = ready مایل - مشتاق</p> <p>Loving = kind , friendly مهربان</p> <p>Peaceful = quiet , calm آرام - ساکت</p> <p>Quietly = calmly به آرامی</p> <p>Donate = give اهدا کردن</p> <p>Lovingly = kindly با مهربانی</p> <p>Keep = continue ادامه دادن</p> <p>Terrible = bad بد</p> <p>Countless= many, lots of خیلی زیاد</p> <p>Pause = stop توقف کردن</p> <p>Hence = so , thus, therefore بنابراین</p>
--	---

متضاد های مهم درس یک :

<p>Ordinary # specific = special</p> <p>Elderly # young</p> <p>Quietly # aloud = loudly</p> <p>Countless # few</p> <p>Terrible # nice = good</p>	<p>Lower # increase = boost</p> <p>Keep # stop = give up</p> <p>Pause # start = begin</p> <p>Strength # weakness</p>
--	--

Recorded , forgive , appreciation, responsibility, while, mostly, discover, solution, keep

1. in the holidays it is Jim'sto feed all the animals.
2. Scientists are still trying towhy the dinosaurs died out.
3. The students in my class arefrom this area.
4. Have you found theto that math problem.
5.driving until you see the gas station, then turn left.
6. We waited a, but Julia didn't arrive.
7. In his diary heeverything that he did.
8. I can'thim for behaving badly at the party.

تعریف ستون اول را از ستون دو بیابید .

- | | |
|---|---------------|
| 1. To carry suddenly | a) calmly |
| 2. Many times | b) elders |
| 3. To stop being angry | c) forgive |
| 4. A book where you write what you have done each day | d) textbook |
| 5. In a quiet way tears | e) burst into |
| 6. To speak very loudly | f) shout |
| 7. A book about a subject which students use | g) repeatedly |
| 8. People who are older than you | h) memory |
| | i) Diary |

جملات زیر را با توجه به دانش خود کامل کنید.

1. I took Jane's book by I thought it was mine.
2. In many countries, forJapan, fish is a very important part of the diet.
3. After the accident, her parentsfor her until she was better.
4. He wasup by his aunt after his parents died.

1. we visited war museum which had a collection of various artillery pieces that looked a little

- a) Peaceful b) elderly c) normal d) unhealthy

2. as an old lady, she was living alone in a small village far from the town, but she enjoyed the frequent visits of her kind and caringwho loved her so much.

- a) Grandchildren b) grandparents c) grandma d) grandpa

3. Dr. gharib the first modern hospital and medical care center for children in Iran.

- a) Found b) formed c) founded d) fought

4. As a simple rule of thumb the length of the flight is aof the weather.

- a) Solution b) function c) mention d) mission

5. Risk is an extremely sociable person and likes to attend almost all party

- a) Collections b) addictions c) functions d) conditions

LESSON

Two

دربی

دو

حس قدر دانی sense of

appreciation

(Wh question

1) mehdi is our neighbour. " where.....?"

a) does he work b) does work he c) he does work d) he work does

2) who This sentence on the blackboard?

a) wrote b) write c) does write d) did write

یاد آوری جملات پایه و پیرو :

مثال ها)

- 1) she told me what she needed.
- 2) When he comes , I'll leave.
- 3) the boy who is sitting there is my brother.
- 4) .
- 5) .

جمله وارہ توصیفی (جمله وارہ صفتی , جمله موصولی) :

مثال ها)

- 1) The money which was stolen was never found.
- 2) The books that are on the desk are mine.
- 3) Women who work in that company earn little money.

چگونگی عملکرد wh های موصولی :

The boy has blue eyes. I invited him to my birthday party. (whom)

.....

2. you cooked a meal. It was excellent.(which)

The meal

3. I sent an email to my brother. My brother lives in Australia.(who)

.....

با استفاده از ضمایر موصولی جملات زیر را ترکیب کنید:

1. that is a bicycle. My brother bought the bicycle last month.

.....

2. do you know the florist? My mother is talking to her.

.....

3. these are pictures. They have been taken by Sarah recently.

.....

4. Helen took some pictures. Have you seen them?

.....

مثال ها

- 1) The boy who/that is sitting there is jack.
- 2) The boy whom/that I talked to is jack.
- 3) The car which/ that is expensive is jack's.

نکته الکی :

توجه کار ساز : این کلمه را هرگز پس از حروف اضافه و ویپرکول به کار نمی برند.

نکته انتقاری :

- 1) The boy whose father is rich is jack.
- 2) The car whose color is red is jack's

1. do you know the manwe met last night.

- a) who b) which c) whom d) when

2. please open the windowfaces the street.

- a) which b) who c) where d) whom

3. the mechanic fixed the car was Ali's friend.

- a) where b) which c) whose d) who

The womanHelen is talking to is my aunt.

The womanis talking to Helen is my aunt.

She has lost the ruleri bought yesterday.

You always ask questionsare difficult to answer.

نکته فغن : هتما هواستان باشد که **who** به پای فاعل می نشیند و **whom** به پای مفعول قرار می گیرد . پس هرگز
پس از **who** نباید از فاعل استفاده کرد و در ضمن هرگز پس از **whom** نباید از مفعول استفاده کرد.

جمله های زیر غلط هستند :

The man who he invited john to the party is French.

The man whom I invited him to the party is French.

اشتباهات جملات زیر را پیدا کنید و جلوشان بنویسید.

1. The boy whom you helped him is my cousin.

.....

2. The boy whom helped you is my cousin.

.....

3. My cousin is wearing the shoes who my father gave to her .

4. Yesterday I saw a car which it was really old.

.....

5. Have you seen the money whom was on the table?

.....

1. Talking / who / people/ are / the / whom / you / were / to / ?

.....

2. The / yesterday/ which / were / over/ written / letters/ are / there/ .

.....

3. Women / whom / john / garden / have / has / the invited/ a / big/ .

.....

تمرین کنید :

1. the meeting,few people were invited, was a greet success.

- a) who b) whom c) that d) to which

2. that is the worst picture..... I've ever seen.

- a) which b)that c) to which d) it

3. this is the book.....Mona is interested so much and can't stop reading it again.

- a)that b) to which c) of which d) in which

4. the wedding, tovery few people were invited, took place yesterday.

- a)that b) whom c) which d) where

5. I watched my neighbor Sarah, who was better at puzzles..... I was.

- a) which b) that c) who d) than

6. shiraz, is said to be quite beautiful.

- a) where b) that c) which d) who

7. human food may be very harmful for many animals,is why they won't let us feed the animals at the zoo.

- a)that b)who c) whom d) which

8. as a university students, you should know to use a library very well.

- a) which b) that c) how d) what

9. their new house,they bought quite cheaply, does need some fixing up.

- a) that b) where c) which d) whom

10. the womanis sitting in front of me is also in my economics class.

- a)that b) whom c) which d) what

Conditional sentence

شرطی ها :

جمله های مرکبی هستند حاوی یک جمله شرط که با کلمه شرط **if** شروع می شود و یک جمله جواب شرط یا نتیجه شرط . و لازم است بدانیم که بسته به زمان جمله شرط و زمان جواب شرط انواع شرطی ها سافته می شود.

شرطی نوع اول :

این شرطی مفهوم این را دارد که جمله شرط متمم و قابل انجام است و لذا شرط ممکن و متمم برای زمان های حال و آینده می باشد و در شرطی نوع اول زمان جمله شرط به زمان حال و زمان جمله شرط به زمان آینده است.

If I see you , I will tell you the story.

شرطی نوع دوم :

این شرطی مفهوم غیر متمم و یا غیر ممکن بودن کاری در زمان حال و آینده را دارد و لازم به توضیح است که در این نوع از شرطی ها زمان جمله شرط گذشته است و همچنین زمان جمله جواب شرط آینده در گذشته می باشد.

If I were you , I would buy that car.

نکته : در شرطی نوع دوم جمله شرط می تواند دارای زمان گذشته کامل باشد که در حالت بیانگر عملی است که اگر در گذشته اتفاق می افتاد الان می توانست نتیجه ی بهتری داشته باشد و عتما در این حالت جواب شرط دارای یک قید به زمان حال می باشد

If he had taken my advice, he would be a rich man now.

اگر به نصیحت من گوش کرده بود , الان مرد پولداری بود.

این شرط مفهوم غیر ممتل یا غیر واقعی بودن کاری در گذشته را دارد و در این نوع از شرطی ها زمان جمله شرط گذشته کامل و زمان جمله شرط آینده در گذشته کامل خواهد بود

If I had studied harder, I would have pass the exam.

نکته 1 : در شرطی نوع سوم هم می توان به جای would از could و might استفاده کرد

شرطی نوع صفر : این نوع شرطی برای بیان حقایق عملی یا وقایع همیشه ثابت در زمان حال یا گذشته به کار می رود که در این نوع از شرطی ها زمان هر دو جمله ی شرط و جواب شرط یا حال ساده است و یا گذشته ساده می باشد

If we heat the water up to 100 degree, it boils.

If they were reptiles, there were amphibians they could feed on.

Conditional sentence

توضیحات مهم در مورد شرطی ها :

تکته : لازم نیست که اول جمله شرط بیاید و سپس جمله جواب شرط (اول و آخر نداریم) فقط لازم است بدانیم که اگر اول جمله شرط بیاید یا نه
آن و جمله جواب شرط ویرکول قرار بگیرد.

If he runs , he will get there in time.

He will get there in time if he runs

لغات سال دوازدهم :

Lesson

Two 2:

درسی

دوم :

161	Arrangement چیدمان	Synonym:
		Antonym:

162	Arrange هم‌تپ کردن	Synonym:
		Antonym:

163	App برنامه - نرم افزار	Synonym:
		Antonym:

164	Anthill تپه مورچه	Synonym:
		Antonym:

165	Although اگرچه	Synonym:
		Antonym:

166	Allow اجازه دادن	Synonym:
		Antonym:

167	Aid کمک - یاری	Synonym:
		Antonym:

168	Advanced پیشرفته - مترقی	Synonym:
		Antonym:

169	Action کار - عمل	Synonym:
		Antonym:

170	Abbreviation اقتصار	Synonym:	
		Antonym:	
171	Astronaut فضانورد	Synonym:	
		Antonym:	
172	Bilingual دو زبانه	Synonym:	
		Antonym:	
173	Body of water یک تکه آب (دریاچه، خلیج و)	Synonym:	
		Antonym:	
174	Break وقفه - فاصله	Synonym:	
		Antonym:	
175	Browser بستجوگر اینترنت	Synonym:	
		Antonym:	
176	Claim ادعا - درخواست	Synonym:	
		Antonym:	
177	Clue سر نخ	Synonym:	
		Antonym:	
178	Combination ترکیب	Synonym:	
		Antonym:	
179	Common رایج - متداول	Synonym:	
		Antonym:	

180	Expand گسترش دادن	Synonym:
		Antonym:

181	Exact دقیق - صمیم	Synonym:
		Antonym:

182	Essential ضروری - لازم	Synonym:
		Antonym:

183	Entry ورود - اجازه ورود	Synonym:
		Antonym:

184	Entire کامل - تمام	Synonym:
		Antonym:

185	Enter وارد کردن	Synonym:
		Antonym:

186	Endanger به خطر انداختن	Synonym:
		Antonym:

187	Elementary مقدماتی - ابتدایی	Synonym:
		Antonym:

188	Effectively به طور موثر	Synonym:
		Antonym:

189	Disconnecting قطع	Synonym:
		Antonym:

190	Disconnect قطع کردن	Synonym:
		Antonym:

191	Direct مستقیم - بی واسطه	Synonym:
		Antonym:

192	Design طراحی کردن	Synonym:
		Antonym:

193	Communicative فروش صحبت	Synonym:
		Antonym:

194	Compile تالیف کردن	Synonym:
		Antonym:

195	Complicated پیچیده	Synonym:
		Antonym:

196	Confusing گیج کننده	Synonym:
		Antonym:

197	Contain شامل بودن - حاوی	Synonym:
		Antonym:

198	Convert تبدیل کردن - تغییر دادن	Synonym:
		Antonym:

199	Crop مقصول - کشت - جماعت	Synonym:
		Antonym:

200	Crowded پرجمعیت - شلوغ	Synonym:	
		Antonym:	
201	Database پایگاه داده ها	Synonym:	
		Antonym:	
202	Definition تعریف - شرح	Synonym:	
		Antonym:	
203	Highlight برهسته ساقفتن	Synonym:	
		Antonym:	
204	Hearing شنوایی	Synonym:	
		Antonym:	
205	Guide راهنما - کتاب راهنما	Synonym:	
		Antonym:	
206	Group دسته بندی کردن	Synonym:	
		Antonym:	
207	Generally به طور کلی	Synonym:	
		Antonym:	
208	Fresh تازه - چرب	Synonym:	
		Antonym:	
209	Free مجان - رایگان	Synonym:	
		Antonym:	

210	Format نظم - ترتیب	Synonym:
		Antonym:

211	Floor کف - کف اتاق	Synonym:
		Antonym:

212	Final نهایی - پایانی	Synonym:
		Antonym:

213	Figure out فهمیدن	Synonym:
		Antonym:

214	Imaginary خیالی - غیر واقعی	Synonym:
		Antonym:

215	Immediate فوری - سریع	Synonym:
		Antonym:

216	Incomprehensible غیر قابل درک	Synonym:
		Antonym:

217	Increasingly به طور فزاینده	Synonym:
		Antonym:

218	Infection عفونت - سرایت	Synonym:
		Antonym:

219	Inner داخلی	Synonym:
		Antonym:

220	Insect مشره	Synonym:
		Antonym:

221	Intermediate متوسط - وسطی	Synonym:
		Antonym:

222	Introduction مقدمه	Synonym:
		Antonym:

223	Invisible نامرئی	Synonym:
		Antonym:

224	Issue مسئله - موضوع	Synonym:
		Antonym:

225	Jump پریدن	Synonym:
		Antonym:

226	Keep onself با دیگران قاطعی نشدن	Synonym:
		Antonym:

227	Read on به خواندن ادامه دادن	Synonym:
		Antonym:

228	Read somebody's mind ذهن کسی را خواندن	Synonym:
		Antonym:

229	Recognize تشخیص دادن	Synonym:
		Antonym:

230	Recommend توصیه کردن - سفارش کردن	Synonym:	
		Antonym:	
231	Republic جمهوری - حکومت جمهوری	Synonym:	
		Antonym:	
232	Section بخش - قسمت	Synonym:	
		Antonym:	
233	Several چند - چندین	Synonym:	
		Antonym:	
234	Shape شکل - وع - وعیت	Synonym:	
		Antonym:	
235	Single تکی - تک	Synonym:	
		Antonym:	
236	Smartphone تلفن همراه هوشمند	Synonym:	
		Antonym:	
237	Snake مار	Synonym:	
		Antonym:	
238	Stand دکه - غرفه	Synonym:	
		Antonym:	
239	Sweet شیرینی	Synonym:	
		Antonym:	

240	Surround اطافه کردن	Synonym:
		Antonym:

241	Suppose درس زدن - گمان کردن	Synonym:
		Antonym:

242	Support حمایت کردن	Synonym:
		Antonym:

243	Superhuman ما فوق بشری	Synonym:
		Antonym:

244	Suffer درد - رنج	Synonym:
		Antonym:

245	Stick پسباندن	Synonym:
		Antonym:

246	Stand for مقفف پیتری بودن	Synonym:
		Antonym:

247	Vocabulary لغت	Synonym:
		Antonym:

248	Watcher ناظر - تماشاگر	Synonym:
		Antonym:

249	Whereas اکرچه	Synonym:
		Antonym:

250	Wherever هر جا - هر کجا	Synonym:
		Antonym:

251	While در حالی که - اگر چه	Synonym:
		Antonym:

252	Widely بسیار - بسیار زیاد	Synonym:
		Antonym:

253	Wing بال - جناح	Synonym:
		Antonym:

254	Wisely فردمند - عاقلانه	Synonym:
		Antonym:

255	Wonder تعجب کردن - متعجب بودن	Synonym:
		Antonym:

256	Work sth out به چیزی رسیدن - درست یافتن	Synonym:
		Antonym:

257	Absent غایب - هواس پرت	Synonym:
		Antonym:

258	Vibration ارتعاش - لرزش	Synonym:
		Antonym:

259	Unsystematically به طور نامنظم	Synonym:
		Antonym:

260	Unsuccessfully بدون کسب موفقیت	Synonym:	
		Antonym:	
261	Unknown ناشناخته - ناشناس	Synonym:	
		Antonym:	
262	Unexpectedly به طور غیر منتظره ای	Synonym:	
		Antonym:	
263	Unchangeable تغییر ناپذیر	Synonym:	
		Antonym:	
264	Type نوع - گونه	Synonym:	
		Antonym:	
265	Treasure کنج - گنجینه	Synonym:	
		Antonym:	
266	Transmit انتقال دادن - منتقل کردن	Synonym:	
		Antonym:	
267	Tip راهنمایی - پتر	Synonym:	
		Antonym:	
268	Throughout سراسر - سراسر	Synonym:	
		Antonym:	
269	Symbol نماد - نشانه	Synonym:	
		Antonym:	

270	Biography زندگی نامه	Synonym:
		Antonym:

271	Bite نیش زدن	Synonym:
		Antonym:

272	Colony اجتماع - گروه - جماعت	Synonym:
		Antonym:

273	Commercial بازرگانی - تجاری	Synonym:
		Antonym:

274	Develop wings بال در آوردن	Synonym:
		Antonym:

275	Drought خشکسالی - کم آبی	Synonym:
		Antonym:

276	Expression عبارت - اصطلاح	Synonym:
		Antonym:

277	Goods کالا	Synonym:
		Antonym:

278	Lie دراز کشیدن - فوایدن	Synonym:
		Antonym:

279	Pajamas پنژامه	Synonym:
		Antonym:

280	Reproduce تولید مثل کردن	Synonym:
		Antonym:

281	Resource منابع - ذخایر	Synonym:
		Antonym:

282	Right درست - صحیح	Synonym:
		Antonym:

283	Scale مقیاس - میزان	Synonym:
		Antonym:

284	Scavenger مقیاس - میزان	Synonym:
		Antonym:

285	Waterway راه آبی - آبراهه	Synonym:
		Antonym:

286	Wingles (مشرات) بی بال	Synonym:
		Antonym:

Type of dictionaries انواع دیکشنری	Dictionary parts بخش های فرهنگ لغت	Water آب
Learner نوآموز	Guide words کلمات راهنما	Lake دریاچه
Monolingual یک زبانه	Entry مدخل	River رودخانه
Bilingual دو زبانه	Pronunciation تلفظ	Sea دریا
Pocket جیبی	Part of speech نوع کلمه	Ocean اقیانوس
Picture تصویری	Definition تعریف	Animals حیوانات
General عمومی	Example مثال	Ant مورچه
Online آنلاین	Collocation با هم آیی - ترکیب	Insect حشره
Technical تخصصی	Synonym مترادف	Snake مار
Biographical زندگی نامه ای	Antonym متضاد	Ostrich شتر مرغ
Persian فارسی	Origion منشأ - ریشه	Shark کوسه
English انگلیسی	Part of speech انواع کلمه	Pigeon کبوتر
English - Persian انگلیسی - فارسی	Noun اسم	Human beings انسان ها
Persian - English فارسی - انگلیسی	Verb فعل	Astronaut فضانورد
Levels سطح ها	Adjective صفت	Poet شاعر
Elementary مقدماتی	Adverb قید	Physician پزشک
Intermediate متوسط	Preposition حرف اضافه	User کاربر
Advanced پیشرفته	Conjunction حرف ربط	Passenger مسافر

گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید .

- a) adverb b) noun c) collocation d) preposition
- a) pronunciation b) biography c) definition d) part of speech
- a) technical b) bilingual c) invisible d) online

A monolingual dictionary فرهنگ لغت تک زبانه	At the top of در بالای
A bilingual dictionary فرهنگ لغت دو زبانه	A host of زیادی
An online dictionary فرهنگ لغت آنلاین	Connection between A and B ارتباط بین a و b
A picture dictionary دیکشنری تصویری	Stand for علامت اختصاری
A technical dictionary فرهنگ لغت تخصصی	Suffer from مبتلا بودن به
A learners dictionary فرهنگ لغت زبان آموز	Provide sb with sth چیزی را برای کسی فراهم کردن
A pocket dictionary فرهنگ لغت جیبی	Provide sth for sb چیزی را برای کسی فراهم کردن
A dictionary entry یک مدخل فرهنگ لغت	Have access to دسترسی داشتن به
In alphabetical order به ترتیب الفبا	Have much in common وجه مشترک زیادی داشتن
A time machine یک ماشین زمان	Have sth in common چیزی وجه مشترک داشتن با
A thiking game یک بازی فکری	I wonder if ممکن است لطفاً
Part of speech مقوله دستوری	Keep (onself) to onself از دیگران کناره جویی کردن
Middle ear گوش درونی	It is essential ضروری است که
Inner ear گوش درونی	Convert sth with / to sth چیزی را با چیزی مقایسه کردن
The world wide web شبکه جهانی وب	Compare sth with/ to sth چیزی را با چیزی مقایسه کردن
Meet your language needs نیاز های زبانی خود را برآورده کردن	Be invisible دیده نشدن
How / what about? چیست ؟	I'd like = I would like من می خواهم
What's wrong? ؟ چه شده ؟	Read sb's mind ذهن کسی را خواندن
Just about تقریباً - کمابیش	Be in trouble مشکل پیدا کردن
On average به طور متوسط	Be in sb shoes به جای کسی بودن
As far as تا آنجا که	A friend in need is a friend indeed دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
	An average of به طور متوسط

- | | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| 1. put them in alphabetical | a) of 30 snakes |
| 2. an English learner's | b) into vibration |
| 3. an average | c) with the dictionary |
| 4. keep himself | d) order |
| 5. provide somebody | e) common with these people |
| 6. have a lot in | f) dictionary |
| 7. convert sounds | g) for the information |
| | h) to himself |

با توجه به کلمات داده شده جاهای خالی را کامل کنید.

Pollution , compiled , astronaut , host , compared

- I havemy translation with the one on the blackboard.
- there's a wholeof reasons why he didn't get the job.
- plants and fish are dying because of
- neil armstrong was the firstwho walked on the moon.

Choose the best answer ;

- there is a directbetween smoking and heart disease.
a) combination b) connection c) arrangement d) introduction
- he was able tothe police with some valuable information.
a) provide b) recommend c) suppose d) surround
- the bus was sothat I kept standing all the way to the station.
a) essential b) confusing c) crowded d) immediate
- my daughterfrom depression during the winter.
a) wonders b) achieves c) endangers d) suffers

App	A computer program that does a special function
Astronaut	A person who travels in space
Insect	A very small animal that has six legs
Issue	An important subject or problem that people talk about
Host	A great amount of number
Monolingual	Speaking or using only one language
Symbol	A letter , sign, or a picture that something first existed
Origion	The time , way , or place that something first existed
Advanced	At a high or difficult level
Intermediate	Coming between two things or level
Look up	To try to find information in a book
Achieve	To succeed in doing or getting something you want
Expnd	To become bigger or to make something bigger
Provide	To give something to someone who needs it
Recommend	To tell someone that a person or thing is good or useful
Surround	To be or go all around something
Support	To provide what is needed by someone

پاسخ قسمت اول را از ستون مقابل پیدا کنید .

1. a word or phrase that has an exact meaning
2. a combination of words that people use very often

- a) abbreviation
- b) collocation
- c) origin
- d) term

- | | |
|--------------------------|------------------------------------|
| 1. a bilingual | a) for the poor |
| 2. a direct connection | b) entry |
| 3. a host | c) with others |
| 4. suffering | d) needs |
| 5. providing clothes | e) if |
| 6. have | f) from toothaches |
| 7. I wonder | g) between smoking and lung cancer |
| 8. compare your children | h) access to the internet |
| 9. meet your language | i) in common |
| 10. a dictionary | j) of ostriches |
| | k) dictionary |

تعریف ستون اول را از ستون دوم پیدا کنید.

- | | |
|--|-----------------|
| 1. an arrangement in a particular order | a) pollution |
| 2. the action of making the air, rivers, etc. dirty and dangerous | b) abbreviation |
| 3. in a way that is successful and achieves what you want | c) combination |
| 4. to put things in a neat, attractive, or useful order | d) jump into |
| 5. to suddenly decide to do sth | e) effectively |
| 6. having or using two languages | f) bilingual |
| 7. to make a book, list etc, using different pieces of information | g) arrange |
| 8. the part at the beginning of a book that gives a general idea of what it is about | h) compile |
| | i) introduction |

1. bacteria areto humans. You can only see them if you use a microscope.
2. the abbreviation USAfor the United States of America .
3. every one knows that threesix in nine .
4. a: Iif I could use your cellphone. B: sure. Here you are.
5. he looked at the tiny stamp under a powerfulglass.

- 1) Have you ever thought of something to make life easier for people?
 1) replacing 2)inventing 3)feeling 4)examining
- 2) We met on several to discuss the matter.
 1) purposes 2)occasions 3)situations 4)categories
- 3) Our study shows different age- groups views about marriage.
 1) mental 2)straight 3)continuous 4)contrasting
- 4) Geology is concerned with the structure of the Earth's and how, it has changed over millions of years.
 1) soil 2)mantle 3)center 4)crust
- 5) The man insisted on his being honest but we thought
 1) impolitely 2) differently 3) absolutely 4) heavily
- 6) A (n) crowd waited for the arrival of their popular president.
 1) public 2)dense
 3)extensive 4)sufficient

LESSON THREE

درس

سه

انرژی تجدید پذیر Renewable energy

Grammar

گرامر این درس در مورد گذشته کامل و مجهول می باشد که قبلا در مورد آن ها تدریس کامل انجام شده است :

یادآوری :

1. whoyou home after you had fallen into the river. (drive)
2. it's very cold today. Do you think it maylater? (snow)
3. when their mother got home, all the sweetsby the children. (eat)
4. something shouldabout global warming or some types of penguins will(do/ die out)
5. when I saw him, I knew that Ihim before. (meet)

هر جمله را با استفاده از دانش گرامری خود کامل کنید .

1. Helen wasn't at home. Whereshe gone?
2. may a new workeremployed by the company?
3. the telephone wasn't working because the billpaid.
4. unfortunately, uncle Davidgo to the doctor after he had been ill for a month.
5. I was very angry when I saw that my appleeaten.

اشباهات در جمله زیر را بیابید و شکل درست آن را بنویسید.

1. our bus was late, and we ran to the cinema, but the film has already begun.

.....

2. nobody had come to the meeting because Angela had forgotten to tell them about it.

.....

3. my friend was very happy because his son had found.

.....

4. Bob can't buy the new computer because he had spent all his money.

.....

5. the man who was sitting next to you on the plane was very nervous. It was his first flight. He's never flown before.

.....

با هر گروه از کلمات زیر جمله کامل بنویسید.

1. had / Europe / never / by / she / train / travelled / before / went / to / Liz/ .

.....

2. dress / water / be / not / washed / must / the / in / hot / .

.....

3. the / had / already / arrived / when / meeting / started / I / .

.....

4. glass / be / vase / safe / place / should / put / in / a / this / .

.....

5. it / had / colder / snowed / the / days / after / became/ , / .

.....

1. the firefighters had put out the fire successfully.

.....

2. you should feed the cat twice a day .

.....

3. the little girl had not broken the window.

.....

4. may your brother buy some bread?

.....

1. Imuch money after I hadall my bills last week.

a) didn't have / been paid

b) didn't have / paid

c) hadn't had / paid

d) hadn't had / been paid

2. A; must the studentsenglish? B: yes, English mustby them every day.

a) be practiced / be practiced

b) practice / be practiced

c) be practiced / practice

d) practice / practice

3. the woman told me that shein china before.

a) has worked

b) worked

c) had worked

d) will work

4. which sentence is grammatically WRONG?

a) this computer may not be fixed

b) French must be learned

c) can he be spoken English fluently ?

d) they should be obeyed.

5. Karen didn't wantto the cinema with us because shethe movie.

a) going/ had already seen

b) to go / had already seen

c) going / has already seen

d) to go / has already seen

لغات سال دوازدهم :

Lesson

Three 3:

درسی

سوم :

287	Absorb میزوب کردن	Synonym:
		Antonym:
288	Air conditioner دستگاه تهویه مطبوع	Synonym:
		Antonym:
289	Apply درخواست دادن - درخواست کردن	Synonym:
		Antonym:
290	Balcony بالکن	Synonym:
		Antonym:
291	Basis اساس - پایه	Synonym:
		Antonym:
292	Bill صور تفساب	Synonym:
		Antonym:
293	Blow وزیدن - باد کردن	Synonym:
		Antonym:
294	Broth سوپ - آب گوشت	Synonym:
		Antonym:
295	Character شخصیت	Synonym:
		Antonym:
296	China چینی	Synonym:
		Antonym:

297	Client مشتری - موکل	Synonym:
		Antonym:

298	Load مهم کاری - بار	Synonym:
		Antonym:

299	Likelihood احتمال	Synonym:
		Antonym:

300	Light روشن کردن	Synonym:
		Antonym:

301	Lead راهنمایی کردن - هدایت کردن	Synonym:
		Antonym:

302	Landfill گورستان زباله	Synonym:
		Antonym:

303	Kinetic جنبشی	Synonym:
		Antonym:

304	Joint مفصل	Synonym:
		Antonym:

305	Inform مطلع کردن - باخبر کردن	Synonym:
		Antonym:

306	Hydropower انرژی آبی	Synonym:
		Antonym:

307	Herd گله - رمه	Synonym:	
		Antonym:	
308	Heat حرارت - گرما	Synonym:	
		Antonym:	
309	Hatch از تخم پیرون آمدن	Synonym:	
		Antonym:	
310	Gradually به تدریج - رفته رفته	Synonym:	
		Antonym:	
311	Gone ناپدید - رفته	Synonym:	
		Antonym:	
312	Global warming افزایش دمای زمین	Synonym:	
		Antonym:	
313	Global جهانی	Synonym:	
		Antonym:	
314	Give off پیرون آمدن	Synonym:	
		Antonym:	
315	Generate تولید کردن	Synonym:	
		Antonym:	
316	Garbage آشغال - زبال	Synonym:	
		Antonym:	

317	Fuel سوخت	Synonym:
		Antonym:

318	Formula فرمول - طرح	Synonym:
		Antonym:

319	Forever همیشه - برای همیشه	Synonym:
		Antonym:

320	Fly پرواز کردن	Synonym:
		Antonym:

321	Flock دسته دسته رفتن	Synonym:
		Antonym:

322	Fitness سلامت - آمادگی بدنی	Synonym:
		Antonym:

323	Perfect کامل	Synonym:
		Antonym:

324	Panel تابلو - صفحه	Synonym:
		Antonym:

325	Organic طبیعی	Synonym:
		Antonym:

326	Obey اطاعت کردن - فرمان بردن	Synonym:
		Antonym:

327	Nuclear هسته ای - اتمی	Synonym:
		Antonym:

328	Nonrenewable تمام شدنی	Synonym:
		Antonym:

329	Natural gas گاز طبیعی	Synonym:
		Antonym:

330	Namely بدین معنی	Synonym:
		Antonym:

331	Mouth دهان - دهانه	Synonym:
		Antonym:

332	Margin ناشیه - لبه	Synonym:
		Antonym:

333	Magic سحر - جادو	Synonym:
		Antonym:

334	Pollute آلوده کردن	Synonym:
		Antonym:

335	Power قدرت - توان	Synonym:
		Antonym:

336	Practical تدرینی - عملی	Synonym:
		Antonym:

337	Proverb ضرب المثل	Synonym:
		Antonym:

338	Radiation تشعشع	Synonym:
		Antonym:

339	Reduce کم کردن - پایین آوردن	Synonym:
		Antonym:

340	Remind به یاد آوردن	Synonym:
		Antonym:

341	Renewable تجدید پذیر	Synonym:
		Antonym:

342	Replace جایگزین کردن	Synonym:
		Antonym:

343	Require نیاز داشتن	Synonym:
		Antonym:

344	Result نتیجه	Synonym:
		Antonym:

345	Tower برج	Synonym:
		Antonym:

346	Tide جزر و مد - موج	Synonym:
		Antonym:

347	Take in بیزب کردن	Synonym:	
		Antonym:	
348	Supporting قانع کننده - موید	Synonym:	
		Antonym:	
349	Supply تدارک - تهیه	Synonym:	
		Antonym:	
350	Succeed موفق شون - پیشرفت کردن	Synonym:	
		Antonym:	
351	String نخ - ریسمان	Synonym:	
		Antonym:	
352	Stable اصطبل - شویله	Synonym:	
		Antonym:	
353	Revolve پرفیدن	Synonym:	
		Antonym:	
354	Rise افزایش - ترقی	Synonym:	
		Antonym:	
355	Roof تاق - سقف	Synonym:	
		Antonym:	
356	Run دویدن - کار انداختن	Synonym:	
		Antonym:	

357	Running water آب لوله کشی	Synonym:	
		Antonym:	
358	Separate فرا - جداگانه	Synonym:	
		Antonym:	
359	Shiny براق - درخشان	Synonym:	
		Antonym:	
360	Sight بینایی - دید	Synonym:	
		Antonym:	
361	Solar خورشیدی - شمسی	Synonym:	
		Antonym:	
362	Source منبع - منشأ	Synonym:	
		Antonym:	
363	Spoil فراپ کردن - فاسد کردن	Synonym:	
		Antonym:	
364	Disability معطلیت - نقص	Synonym:	
		Antonym:	
365	Digest هضم - هضم کردن	Synonym:	
		Antonym:	
366	Deal with به چیزی پرداختن	Synonym:	
		Antonym:	

367	Constantly دائما - مرتب	Synonym:	
		Antonym:	
368	Community اجتماع - جامعه	Synonym:	
		Antonym:	
369	Benefit سود - منفعت	Synonym:	
		Antonym:	
370	Background پس زمینه - زمینه	Synonym:	
		Antonym:	
371	Alternative جایگزین - راه	Synonym:	
		Antonym:	
372	Absence غیبت - غیاب	Synonym:	
		Antonym:	
373	Truck کامیون	Synonym:	
		Antonym:	
374	Use up تمام چیزی را مصرف کردن	Synonym:	
		Antonym:	
375	Variety تنوع - گونه‌گونی	Synonym:	
		Antonym:	
376	Warn هشدار دادن	Synonym:	
		Antonym:	

377	Waste هدر دادن - اتلاف کردن	Synonym:
		Antonym:

388	Whether آیا - که آیا	Synonym:
		Antonym:

389	Wind machine آسیای بادی	Synonym:
		Antonym:

390	Wind turbine توربین بادی	Synonym:
		Antonym:

391	Work out فوب از آب در آمدن	Synonym:
		Antonym:

392	Worm کرم	Synonym:
		Antonym:

393	Other than به غیر - به غیر	Synonym:
		Antonym:

394	Outlet پنر برقی - خروجی	Synonym:
		Antonym:

395	Over come پیروز شدن - شکست دادن	Synonym:
		Antonym:

396	Plug به برق زدن - وصل کردن	Synonym:
		Antonym:

397	Portable قابل حمل - دستی	Synonym:	
		Antonym:	
398	Remote دور - دور افتاده	Synonym:	
		Antonym:	
399	Remote controlled با کنترل از راه دور	Synonym:	
		Antonym:	
400	Right مستقیم	Synonym:	
		Antonym:	
401	Roll غلتیدن - غلتاندن	Synonym:	
		Antonym:	
402	Select انتخاب کردن	Synonym:	
		Antonym:	
403	Hybrid دوگانه سوز - پیوندی	Synonym:	
		Antonym:	
404	Hold کنفايش داشتن - نگه داشتن	Synonym:	
		Antonym:	
405	Gasoline بنزين	Synonym:	
		Antonym:	
406	Gadget ابزار - وسیله	Synonym:	
		Antonym:	

407	Fond علاقه - دل بسته	Synonym:
		Antonym:

408	Flashlight علاقه - دل بسته	Synonym:
		Antonym:

409	Fall asleep به خواب رفتن	Synonym:
		Antonym:

410	Economy اقتصاد - صرفه جویی	Synonym:
		Antonym:

411	Store ذخیره کردن	Synonym:
		Antonym:

412	Stove ایاق گاز	Synonym:
		Antonym:

413	Veggie سبزیجات - گیاه خوار	Synonym:
		Antonym:

God helps those hel themselves از تو حرکت از خدا برکت	Don't just wait for good things to happen to you. Work har to achieve your goals.
The early birds catches the worm. سحر خیز باش تا کامروا شوی	You should wake up and start work early if you want to success.
Birds of feather flock together. کبوتر با کبوتر باز با باز - کند همجنس با همجنس پرواز	Just saying that uou'll do something doesn't mean much. Actually doing it is harder than more meaningful.
Practice makes perfect کار نیکو کردن از پر کردن است	You have to practice a skill a lot to become a good at it.
Too many cooks spoil the broth. آشپز که دوتا شد آش یا شور می شود یا بی نمک	When there are too many people trying to lead and give their opinions , it's confusing and leads to bad results. Jobs and projects should have one or two strong leaders.
Easy come, easy go. باد آورده را باد می برد.	When you get money quickly, like by winning it, easy to spend it or lose it quickly as well.
Two heads are better than one یک دست صدا ندارد. / هر سری عقلی دارد	When two people cooperate witheach other, they come up with better ideas
Don't count your chickens before they hatch. جوجه را آخر پاییز می شمارند	Your plans might not work out, so don't start thinking about what you'll do after you succeed. Wait until you've already succeeded, and then you can think about what to do next.

Out of sight , out of mind از دل برود هر آنکه از دیده برفت	You soon forget people or things that are no longer visible or present.
Cut your coat according to your clothes. لقمه رو اندازه دهن خود بردار. / پایت را اندازه کلیمت دراز کن	Spend only as much as money as you can offered.
A burnt child dreads the fire. مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد	A person that has been harmed by the danger becomes more careful about it
Kill two birds with one stone. با یک تیر دو نشان را زدن	To achieve two things with one action .
Don't look a gift horse in the mouth. دندان اسب پیشکش را نمی شمارند	Use to tell some one that they should not find wrong with a free gift.
Absence makes the heart grow fonder دوری و دوستی	Being away from someone makes you like them more
Money does not grow on trees پول علف خرس نیست / پول آسان به دست نمیاید.	You should not waste money
There's no place like home هیچ جایی خونه ی خود آدم نمی شه	The home is the best place

Renewable energy sources منابع انرژی تجدیدپذیر	Non-renewable energy sources منابع انرژی تجدید ناپذیر	Type of energy انواع انرژی
Wind باد	Fossil fuels سوخت فسیلی	Mechanical energy انرژی مکانیکی
Water آب	Oil نفت	Chemical energy انرژی شیمیایی
Sunshine نور خورشید	Coal زغال سنگ	Electrical energy انرژی الکتریکی
Tide جزر و مد	Natural gas گاز طبیعی	Nuclear energy انرژی هسته ای
Plant گیاه		Heat energy انرژی گرمایی
		Kinetic energy انرژی جنبشی
Renewable energy انرژی تجدید پذیر	Non- renewable energy انرژی تجدید ناپذیر	Energy is used for : انرژی استفاده می شود برای :
Wind power انرژی باد	Is harmful to the environment برای محیط مضر است	Producing electricity تولید برق
Solar power انرژی خورشیدی	Can not be replaced نمی تواند جایگزین شود	Heating گرم کردن
Hydropower انرژی آبی	Is not clean پاک نیست	Cooling سرد کردن
	Pollutes water and air آب و هوا را آلوده می کند	Lighting روشن کردن

گزینه ناهماهنگ را انتخاب کنید :

- | | | | |
|----------------|-------------|------------|--------------|
| 1. a) caol | b) sunlight | c) plant | d) tide |
| 2. a) chemical | b) nuclear | c) organic | d) kinitic |
| 3. a) wind | b) gas | c) oil | d) coal |
| 4. a) waste | b) resource | c) garbage | d) pollution |

هم نشین های مهم درس سوم عبارت هستند از :

Kinetic energy انرژی جنبشی	A variety of انواع
Solar energy انرژی خورشیدی	Win a prize جایزه بردن
Solar power انرژی خورشیدی	Achieve your goal به هدف خود رسیدن
Mechanical power انرژی مکانیکی	Go to sleep به خواب رفتن
Renewable energy انرژی تجدید پذیر	That's ok with me از نظر من ایرادی ندارد
Nonrenewable energy انرژی تجدید ناپذیر	Be visible قابل رویت بودن
Wind turbine توربین بادی	Be harmful to sth برای چیزی مضر بودن
Fossil fuel سوخت فسیلی	Be rich in sth سرشار از چیزی بودن
Renewable energy source منابع انرژی تجدید پذیر	Lead to منجر شدن به
Natural air cooling system سیستم طبیعی خنک کننده هوا	Consist of تشکیل شده از
The birth of Christ تولد مسیح	Warn sb about / of / against در مورد چیزی به کسی هشدار دادن
Ancient Persia ایران باستان	Apply for sth چیزی را تقاضا کردن
Nobel prize جایزه نوبل	Convert sth into / to sth چیزی را به چیزی تبدیل کردن
String light bulb لامپ رشته ای	Check it with others نظر دیگران را جویا شدن
Low tide جزر	Reduce sth from B to A چیزی را کاهش دادن
High tide مد	Cooperate with each other با یکدیگر همکاری کردن
This way به این طریق	Revolve around چرخیدن . به دور چیزی گشتن
As birth هنگام تولد	Supply sth to sb چیزی را برای کسی فراهم کردن
Since then از آن موقع	Supply sb with sth چیزی را برای کسی فراهم کردن

No longer دیگر	Provide sb with sth چیزی را برای کسی فراهم کردن
On the way سر راه - در راه	Provide sth for sb چیزی را برای کسی فراهم کردن
In short به طور خلاصه	Inform sb of / about sth در مورد چیزی به کسی اطلاع دادن
As a result در نتیجه - بنابر این	Remind sb of sth کسی را به یاد چیزی انداختن
As a result of به علت - به دلیل	Replace sth / sb with sth / sb چیزی را با چیزی جایگزین کردن
In order of به ترتیب	Have barbecue کباب درست کردن

ستون اول را به ستون دوم وصل کنید :

- | | |
|-------------------------|-----------------------------|
| 1. a lot of renewable | a) of fitness activities |
| 2. provide users | b) into electricity |
| 3. convert solar energy | c) light bulbs |
| 4. warn people | d) energy sources |
| 5. a wide variety | e) from wind power |
| 6. some string | f) about the possible harms |
| | g) with information |

Huge عظیم - بزرگ	Very large , very big
Delivery تحویل کالا	The act of taking something to a person or place
Arrangement - ترتیب چیدمان	A group of things put together so that they look nice
Global warming افزایش دمای زمین	An increase in tempreature of the earth's atmosphere because of increase in certain gases.
Garbage	Things that you do not want anymore; waste material
Fitness تناسب - تندرستی اندام	Being healthy and strong
The environment محیط زیست	The air , water, land , animals, and plants around us
Cooperate همکاری کردن	To work with someone else to achieve something
Flock دسته جمعی آمدن / رفتن	To go or come together somewhere in a large numbers

ستون اول را به ستون دوم وصل کنید.

1. to eat , drink, or use something
2. to be formed from two or more things or people

- a) consist of
- b) produce
- c) consume
- d) give off

Persia = iran	Apply = ask for
As a result = therefore , thus , so	Require = need , demand
As a result of = because of	Achieve = reach = get
Perfect = excellent	Consist of = contain , include
Gradually = slowly	Consume = use up
Forever = always	Reduce = decrease , lower
Harm = injury	Remind = remember , recall
Sunshine = sunlight	Generate = produce , make
Garbage = waste	Generate = create
Variety = diversity	Supply = provide
Meaningful = useful	Replace = put back
Meaningful = important	Revolve around = orbit , go around
Huge = vast ; great	Use up = consume
Huge = great	Dread = fear
Bill = check	Variety = diversity

Anger # calm	Reduce # increase
Huge # small , little , tiny	Generate # destroy
Birth # death	Succeed # fail
Back # in front of	Consume # build , create
PRESENT # ABSENT	Win # lose
Forever # never	Remind # forget
Heat # cool	Gradually # suddenly

مترادف یا متضاد کلمات خواسته شده را بیابید.

- | | | |
|--|---|-------------|
| 1. a basketball team consist of five players. | = | a) small |
| 2. this car consumes a lot of fuel. | = | b) forget |
| 3. she'll do anything to protect her children from harm. | = | c) cool |
| 4. the earth revolves around the sun. | = | d) death |
| 5. he was present at the birth of his daughter. | # | e) anger |
| 6. they use gas to heat the house | # | f) injury |
| 7. they live in a huge house. | # | g) includes |
| 8. please remind me to buy some bread on the way home. | # | h) orbits |
| | | i) uses up |

جملات زیر را با دانش خود کامل کنید.

1. I heard thatbetween Tokyo and Osaka is about 10 km.
2. wood and stone are useful building
3. the mainof renewable energy are wind, water and sun.
4. this air conditioner consumes a lot of
5. your hair and eyesme of your mother.

تعریف ستون اول را به ستون دوم وصل کنید .

- | | |
|--|------------|
| 1. for all time | a) variety |
| 2. to take something in, specially gradually | b) tide |
| 3. to change in form or character | c) replace |
| 4. to finish something | d) use up |
| 5. many different types of things or people | e) forever |
| 6. the amount of a product or service that people want | f) demand |
| 7. to take the place of somebody or something | g) reduce |
| 8. the rise and fall of the sea | h) absorb |
| | i) convert |

با استفاده از کلمات داده شده، جملات زیر را کامل کنید.

Result – variety – invisible – reducing – demand – dreading – apply – anger - consume

1. father went red withwhen I behaved rudely towards him.
2. some devices such as washing machine and air conditionera lot of electricity.
3. is there muchfor these goods?
4. if you want this job, you mustfor it by tomorrow.
5. I am satisfied with theof my math test.
6. the moon wasbehind the clouds.
7. you should eat a/anof a fresh fruits and vegetables.
8. he'sthe exam- he's sure he's going to fail.

- 1- Rubber is one of the most important materials used in today.
1) curriculum 2) pharmacy 3) surgery 4) industry
- 2- You should tell the children not to dangerous materials.
1) promote 2) create 3) support 4) handle
- 3- Carbon dioxide and methane are greenhouse gases. They make the earth warmer by heat in the atmosphere.
1) knocking 2) locking 3) finding 4) trapping
- 4- Yes, they are nice children. They've been very well brought up, too.
1) probably 2) constantly 3) suddenly 4) extremely
- 5- When the fish swims into deep water the On its inner ear is increased.
1) emphasis 2) damage 3) pressure 4) decrease
- 6- Children are allowed to what their parents find useful for them.
1) remember 2) carry 3) choose 4) become
- 7- the field of study that talks about religion is called
1) geometry 2) theology 3) biology 4) chemistry
- 8- If you remember god in your Works, you are never alone.
1) final 2) possible 3) useful 4) daily
- 9- The teachers wanted the students to that they should come on time.
1) organize 2) realize 3) summarize 4) visualize
- 10- If you don't manage to get a job, don't Keep on trying. You finally will get a good job.
1) look up 2) come up 3) give up 4) turn up

Part three:

Reading

بخش سوم :

درک مطلب

Reading

مطالب موجود در قسمت درک مطلب:

1. تعریف درک مطلب

2. انواع سوالات درک مطلب

الف) سوالات مربوط به واژگان ب) درک موضوع اصلی متن پ) سوالات مربوط به یافتن جزئیات

ت) سوالاتی که از مربع می پرسند ث) و

3. روش های تشخیص هر نوع

4. روش های پاسخگویی هر نوع

5. راه حل های ابتکاری مهندس نفی

درک مطلب چیست؟

یکی از مهمترین مهارت های موجود در زبان انگلیسی این است که بتوان متنی را خواند و پس از مطالعه ی آن متن هدف نویسنده از نوشتن آن متن را درک کرد.

دوستان عزیز در این جزوه تصمیم داریم راه حل هایی را پیشنهاد کنیم تا با استفاده از این راه حل ها بتوانید متن را به سادگی بفهمید و به سوالات آن پاسخ دهید. لازم به توضیح است که این جزوه می تواند در تمامی رده های آموزشی (کارشناسی-کارشناسی ارشد-دکتری) نیز مورد استفاده قرار بگیرد.

((((چون در تمامی سطوح، درک مطلب بخش جدایی ناپذیر آزمون های زبان می باشد))))

و در انتها لازم به توضیح است که در این جزوه سعی داریم در گام اول شما را با انواع سوالات درک مطلب آشنا کنیم و سپس روش های تشخیص هر یک را بیان کنیم و در انتها روشهای ابتکاری را برای هر موضوع بیان کنیم.

نوع اول سوالات درک مطلب



فصل اول : چگونه موضوع اصلی متن را پیدا کنیم ؟

روش تشخیص

اگر صورت تست به یکی از حالات زیر بود آنگاه هتما تست مورد نظر در مورد یافتن موضوع اصلی یا ایده ی اصلی طراحی شده است.

- What is the best title for this passage?
- The best title for the passage can be
- What is the main idea of the passage?
- What is the writer's purpose?
- What is the main topic of the passage?
- What does the passage mainly discuss?
- The main topic of the passage is.....
- The passage is mainly about.....

پس میتوان نتیجه گرفت که اگر صورت هر سوالی حاوی.....

موضوع اصلی چیست؟

بطور کلی باید بدانید که موضوع اصلی موضوعی است که:

.....(1)

.....(2)

مال چگونه باید هدف اصلی را پیدا کنیم؟

(1)

Radio telescope is a new kind of telescope that gives us the ability to get information about stars very far away from us without any lenses. Its looks like a large radar. Using it, scientist have discovered dark stars in the outer space.

“The topic of this paragraph is: “

The development of horse has been recoded from the beginning through all of its evolutionary stages to the modern form.

Geologists believe that the first horses appeared on the earth about sixty million years ago as compared with two million years ago for the appearance of human beings.

What is the passage mainly about?

- a) The evolution of the horse b) the migration of horse
- c) The modern- day pony d) the replacement of the Antitheses, by Hyperion

The body of an adult insect is subdivided into three sections, including a head, a three-segment thorax, and segmented abdomen.

Feature of in insect's mouth parts are used in classifying insects into types.

Insects, the most numerous creature on our planet are also the most adaptable.

An active part of the natural food cycle, insects provide nutrition for animals and devour waste products of other life forms.

What is the best title for this passage?

- a) An insect's environments
- b) The structure of an insect
- c) Grasshoppers and beetles
- d) The stage of life an insect

(2)

Some people don't like sports, but everybody knows about Olympics. Every four year we can watch the best sport man compete against each other in these games.

"The topic of this paragraph is"

Fertilizer is any substance that can be added to the soil to provide chemical elements essential for plant nutrition so that the yield can be increased.

A complete fertilizer is usually marked with a formula consisting of three numbers, such as 4-8-2, or 6-6-4, which designate the percentage of nitrogen-phosphoric acid, and potash in the order stated.

Fertilize have no harmful effects on the soil, the crop, or the consumer as long as they are used according to recommendations based on the results of local research.

Which of the following topics is the passage primarily concerned?

- a) Local research and harmful effects of fertilizer
- b) Advantages and disadvantages of liquid fertilizer
- c) A formula for the production of fertilizer
- d) Content, form, and effects of fertilizer

Although speech is generally accepted as the most advanced form of communication.

Symbols are more difficult to describe than either signals or signs because of their intricate relationship with the receiver's cultural perceptions.

Although signals, signs, symbols, and gestures are very useful, they have a major disadvantage in communication.

To radio, television, and the telephone, one must add fax, paging systems, electronic mail, and the internet, and no one doubts but that there are more means of communication on the horizon.

Which of the following would be the best title for the passage?

- A) Signs and signals
- b) Gesture
- c) Communication
- d) Speech

In some countries for example U.S.A you can give your child any name in the state of California there are some interesting names such as "Pepsi" in the birth records. In other state, a man and a woman had five sons before their daughter was born. They named their daughter "atlas" meaning "at last a girl" or "at last we have a girl".

What is the main idea of this passage?

- 1) The U.S.A is a country people don't have nice names.
- 2) In some countries parents may choose any name for their children.
- 3) Strange name such as "Pepsi" are found in the birth records of California.
- 4) People should be free in choosing unusual names for their children.

The first free balloon flight was in December 1783. The balloon flew for 25 minutes over Paris. It traveled about five and a half miles. During the 19th century, ballooning became a popular sport.

These were balloon races in Europe. Balloons were also used by scientists to study the air and armies in war time. After the airplane was invented, people lost interest in balloons. Plane were much faster and easier to control. But some people today still like to go up in balloons. High up in the balloon basket, they find it quite interesting. They have a wonderful view of the world below.

Q. good title for this passage can be

- a) Free balloon flights
- b) Balloonist's interest
- c) Cycling
- d) Ballooning

Some examples

Leonardo Da Vinci is one of the greatest artists of the Italian Renaissance. He was born at Vinci, Italy. He studied painting in Florence. The most famous of Leonardo's painting are the Mona Lisa, and the last supper. The Mona Lisa hangs in the Louvre in Paris, and the last supper is in a church in Italy. Leonardo knew the art of the making objects look nearer or farther away. In fact, he was a great artist. Leonardo left many drawing behind, some of them sketches for future paintings, some of them scientific studies.

What is the best title for this passage?

- A) The Mona Lisa Renaissance b) modern painting C) Da Vinci d) Italian

لئوناردو داوینچی یکی از بزرگترین هنرمندان رنسانس ایتالیا بود. او در وینچی ایتالیا به دنیا آمد. او در فلورانس تعلیم نقاشی دید. مشهورترین نقاشی های لئوناردو، مونالیزا و شام آخر است. مونالیزا در (موزه) لوور در پاریس آویزان است و شام آخر در کلیسایی در ایتالیا است. لئوناردو هنر نزدیکتر یا دورتر به نظر رساندن اشیاء را می دانست. در واقع او یک هنرمند بزرگ بود. لئوناردو نقاشی های زیادی به جای گذاشت، برخی طرح های اولیه ای برای نقاشی های آینده، برخی برای مطالعات علمی

گزینه 3 صحیح است

گزینه 4 بیش از حد کلی و گزینه 1 بیش از حد جزئی است. درباره گزینه 2 در جمله ی اول متن اصلاً بحث نشده است.

Recent technological advances in manned and unmanned undersea vehicles, along with breakthroughs in satellite technology and computer equipment, have overcome some of the limitation of divers and diving equipment for scientists doing research on the great oceans of the world.

Maps created from satellite pictures can represent the temperature and the color of the ocean's surface, enabling researchers to study the ocean currents from laboratories on dry land.

What topic is the passage primarily concerned?

- a) Technological advances in oceanography
b) Communication among divers
c) Direct observation of the ocean floor
d) Undersea vehicles

تکنولوژی های پیشرفته اشیر در زیر دریایی های با سر نشین یا بدون سر نشین، باعث شکسته شدن محدودیت فیلی از این ماهواره ها و ابزار های اندازه گیری شده است و همچنین باعث شده است که دانشمندان بتوانند در مورد اقیانوس ها بیشتر تحقیق کنند.

نقشه های تعبیه شده توسط عکس های ماهواره ای می توانند ارائه کننده درجه حرارت و رنگ روی سطح دریا باشند و در نهایت این امکان را فراهم کرده اند که محققین بتوانند تحقیقات راجع را در محل های عادی روزانه انجام دهند.

گزینه 1 صحیح است

با توجه به جمله ی اول متن کلمه ی recent technology کاملاً مشهور است و در نهایت با دقت به آخرین جمله ی پاراگراف کلمه ی ocean مشخص فواید شد

Some sea animals have the power to talk to each other. It is not speaking in the ways human do. They use vibration to carry messages to other sea animals that are not too far away. Examples are some fish and dolphins.

Which one is the main idea of this paragraph?

- a) Vibration is used in communication
- b) Sea animals talk to each other just as humans do
- c) Some sea creatures can talk to each other
- d) Sea animals use vibration to talk to him

برخی موجودات دریایی می توانند با یکدیگر صحبت کنند. صحبت آن ها به شیوه ی صحبت انسان ها نیست. آن ها از ارتعاشات برای انتقال پیام ها به سایر حیوانات دریایی که خیلی دور نیستند، استفاده می کنند. مثال هایش برخی ماهی ها و دلفین ها هستند.

گزینه 3 صحیح است

اگر به جمله ی اول متن توجه کنید، تنها در مورد گزینه ی شماره 3، یعنی ارتباط بین حیوانات صحبت شده است

Perhaps it was his own lack of adequate schooling that inspired Horace Mann to work so hard to accomplish the important reforms in education that he advocated.

While serving in the Massachusetts legislature, he signed an historic education bill that set up a state board of education.

Mann's ideas about school reform were developed and distributed in the twelve annual reports to the state of Massachusetts that he wrote during his tenure as secretary of education.

During his lifetime, Horace Mann worked tirelessly to extent educational opportunities to agrarian families and the children of poor laborers.

Surely, his own life was an example of that philosophy.

Which of the following titles would best express the main topic of the passage?

- a) The father of American public education
- b) Philosophy of education
- c) The Massachusetts state board of education
- d) Politics of educational institution

گزینه 1 صحیح است

با دقت به جمله اول متن متوجه خواهید شد که موضوع حول محور education است و پس پس از آن تنها کافی است جمله آخر متن را نگاه کنید تا متوجه شوید که موضوع در مورد کار آقای Horace است.

Earthquake are usually very weak but some of them create terrible damage. Some are powerful enough to destroy thousands of houses. They may kill several hundred thousand of people. A strong earthquake in bam in 2004 killed about 40000 people.

Strong earthquakes happen in many countries, e.g., Japan, every year.

Which one is the best title for this paragraph?

- a) Earthquakes are usually weak
- b) The terrible earthquake in bam happened in 2004
- c) Some earthquakes can be destructive
- d) Many people died in bam earthquake

زلزله ها معمولا خیلی ضعیف هستند اما برخی از آن ها باعث آسیب و مشکلات می شوند. برخی به اندازه کافی قوی هستند که هزاران خانه را از بین ببرند. ممکن است چند صد هزار انسان را بکشند. یک زلزله قوی در بم در 2004 حدود پهل هزار نفر را کشت. در بسیاری از کشور ها هر ساله زلزله می آید.

گزینه 3 صحیح است

اگر به جمله ی اول متن توجه کنید متوجه می شوید که جمله ی اول متن در مورد دو مبحث صحبت می کند (1 زلزله ها معمولا ضعیف هستند 2) برخی از آن ها می توانند باعث آسیب و مشکلات شوند و تنها کافی است چند کلمه از جمله دوم متن را بتوانید تا متوجه شوید که موضوع در مورد زلزله های مفرط است

Lots of students don't do well in their exams because they easily forget what they have studied. Have you ever forgotten what your mother had asked you to buy at the corner shop? Are you always losing your things? Relax, help is at hand. There are so many ways to improve your memory.

Which is the topic of this paragraph?

- a) Why students do badly in exams
- b) Forgetting what sb has asked us to buy
- c) Why students study less these days
- d) Improving your memory

دانش آموزان زیادی امتحاناتشان را خوب نمی دهند. زیرا به راحتی آن چه را خوانده اند فراموش می کنند. آیا تا به حال آن چه را مادر تان از شما خواسته در مغازه سر کوچه بفرید، فراموش کرده اید؟ آیا همیشه وسایلتان را کم می کنید؟ آرام باشید، کمک در دسترس است. روش های بسیار زیادی برای بهبود حافظه تان وجود دارد.

گزینه 4 صحیح است

همانطور که توضیح داده شده، برای یافتن موضوع ابتدا باید جمله اول متن را بتوانید و اگر متوجه موضوع نشدید چند کلمه از جمله دوم متن را بتوانید و در نهایت برای متوجه شدن موضوع جمله ی آخر پاراگراف را بتوانید. که در این متن با خواندن جمله ی آخر پاراگراف متوجه موضوع اصلی متن خواهید شد

You throw a ball in the air as high as you can. It reaches a point where it seems to stay for a moment, and then it comes down. Whatever goes up must come down. An airplane may climb to a height of seventeen miles and then travel far and then travel far and long. But finally, like everything else, it must come down.

What is the best title sentence of this paragraph?

- a) A ball that goes up will come down
- b) Airplanes can travel high in the air
- c) Whatever goes up must come down
- d) A ball can stay at a certain point for a moment

شما توپی را به بالاترین ارتفاعی که می توانید پرتاب می کنید، به نقطه ای می رسد که به نظر می رسد لحظه ای توقف می کند و سپس پایین می آید. هر چه بالا می رود، باید پایین بیاید. یک هواپیما ممکن است تا ارتفاع 17 مایلی بالا رود و سپس برای مسافت و مدت طولانی سفر کند. اما سرانجام مثل هر چیز دیگری باید پایین بیاید.

گزینه 3 صحیح است

با خواندن جمله اول و آخر پاراگراف متوجه می شوید که هر توپی بعد از بالا رفتن، پایین می آید.

According to the controversial sunspot theory, great storms or eruptions on the surface of the sun hurt streams of solar particles into space and eventually into the atmosphere of our planet, causing shifts in the weather on the earth and interference with radio and television communication.

A typical sunspot consist of a dark central umbra, a word derived from the Latin word for shadow.

Sunspot range in size from tiny granules to complex structures with areas stretching for billions of square miles.

Sunspot have been observed in arrangement of one to more than one hundred spots, but they tend to occur in pairs.

Although there is no theory that completely explain the nature and function of sunspot, several models show scientists' attempts to relate the phenomenon to magnetic field lines.

What is the author's main purpose in the passage?

- a) To propose a theory to explain sunspots
- b) To describe the nature of sunspot
- c) To compare the umbra and the penumbra in sunspots
- d) To argue for the existence of magnetic field in sunspot

گزینه 2 صحیح است

با توجه به جمله ی اول متن کاملاً مشخص است که موضوع در مورد sunspot می باشد و پس از آن اگر به جمله ی آخر پاراگراف نگاه کنید متوجه کلمه ی

nature فواید شری

In a society, one man can become a doctor, knowing that others will grow food, make clothes and build a house for him, in return for the work he does to keep them healthy. If each man had to grow his own food, make his own clothes, build his own house and learn to be his own doctor, he would find it impossible for society to provide us all with food, clothes, and medical care, while leaving each of us with as much freedom as it can.

Which one is the main idea of this paragraph?

- a) By working together, we can have a better life
- b) Everyone should be allowed to choose his job in the society
- c) Society is responsible for providing us with what we need
- d) No one can live happily when he's alone

در یک جامعه یک فرد می تواند دکتر شود در حالی که می داند بقیه برای او مواد غذایی پرورش می دهند. لباس می دوزند و خانه می سازند در عوض کاری که او می کند تا آن ها را سالم نگه دارد. اگر هر کس مجبور بود مواد غذایی خود را پرورش دهد، لباس خودش را بدوزد، خانه خودش را بسازد و یاد بگیرد دکتر خودش باشد، برایش غیر ممکن می بود که همه ی این کار ها را واقعاً خوب انجام دهد. به این شیوه، ما برای جامعه امکان پذیر می کنیم که برایمان فوراک، پوشاک و مراقبت پزشکی فراهم کند در حالی که برای هر یک از ما تا جایی که می تواند آزادی باقی می گذارد.

گزینه 1 صحیح است

با دقت به خط اول متن متوجه می شوید که موضوع در مورد شغل های مختلف است.

A man living alone in a place such as a desert or forest is free from other people, but he is not completely free. His freedom is limited in several ways. Firstly by the things around him, such as wild animals. Secondly, by his own needs; he must have sleep, water, food and so on. Lastly, by his own nature as a man: disease may attack him, and death will certainly come to him sooner or later.

Which is the main idea of this paragraph?

- a) Man's freedom is limited in several ways
- b) Man must have sleep, water, food, and so on
- c) Man has got different needs.
- d) Living in desert means being completely free

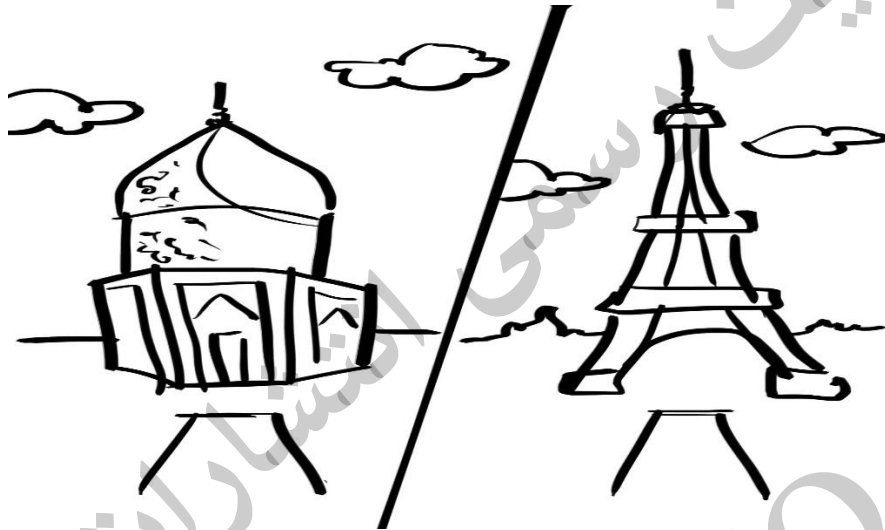
شخصی که تنها در جایی مثل بیابان یا جنگل زندگی می کند، آزاد تر از بقیه ی مردم است اما کاملاً آزاد نیست. آزادی اش به شیوه های مختلف محدود شده است. اولاً توسط چیز های اطرافش مثل حیوانات وحشی، ثانیاً توسط نیاز های خودش. باید خواب، آب، غذا و ... داشته باشد. در آخر، توسط ذاتش به عنوان انسان ممکن است بیماری به او حمله کند، و مرگ متماً دیر یا زود به سراغش می آید.

گزینه ی 1 صحیح است

همانطور که گفتیم موضوع اصلی در جمله ی اول متن قرار دارد. پس حتماً موضوع متن در مورد زندگی انسان است

در نتیجه گزینه های دوم و سوم رد می شوند و در نهایت با خواندن چند کلمه از جمله ی دوم متن متوجه کلمه ی limited خواهیم شد

نوع دوم سوالات درک مطلب



فصل دوم: چگونه معنای لغات جدید را حدس بزنیم؟

صورت اینگونه سوالات معمولا به شرح زیر می باشد:

The word "x" in line 5 is closest in meaning to

The synonym of this word "x" in line 3 is

In line 5, the word "x" can be replaced with.....

The word "x" in line 2 is equal to

The word "x" in line 6 is equivalent to.....

The antonym (opposite) of the word "x" is

روش حل سوالان واژگان :

تیپ اول :

1. After vaccination, you are usually immune to a disease for a number of years.

- A) affected by b) attracted to c) protected from d) referred to

2. As early as the 16th century, wagon-ways made of wooden rails were used to convey wagons loaded with coal from the mines in Durham and Northumberland in northeast England.

The word "convey" is closest in meaning to

- a) Carry b) stretch c) control d) follow

3. In 1954 the American and soviet governments announced that they would launch artificial satellites during the international geophysical sear of 1957-58.

The word "artificial" is closest in meaning to.....

- a) Nutrient b) psychological c) unnatural d) uncertain

4. Children who work on sugar cane farms in El Salvador use big knives to cut plants for up to nine hours a day in the hot sun, injuries to their hands and legs are common and medical care is often not available.

The underline word "available" means

- a) Responsible b) ready c) simple d) special

5. A growing number of studies suggest, however that such an increase could have a big impact on life.

The word "impact" is closest in meaning to.....

- a) Pressure b) force c) weight d) effect

1. Edelweiss is the Swiss national flower, but it is also found in North America.

The word "edelweiss" means.....

- a) Name of a city b) name of the country
d) Kind of flower d) Swiss national bank

2. Catapulted means jump.

The word "catapulted" is equivalent to

- a) Jump b) run c) go d) stop

3. Aerobic exercise is repetitive, meaning it is an activity that you do over and over.

The word "repetitive" is closest in meaning to

- a) Important b) effective c) carefully d) several times

تیپ سوم:

1. The fox is a nocturnal animal. In other words, it's awake at night and asleep during day.

The word "nocturnal" is closest in meaning to

- a) Wild animals b) clever animal
c) Sleep during a day d) don't sleep during a night

2. My doctor said during the next month I will ameliorate, that is to say I will get better by the next month.

The underline word "ameliorate" means.....

- A) Grow b) die c) improve d) energy

Comma (,) , dash (-) , semicolon (;) , colon (:), bracket () ,

1. In old times, Egypt was ruled by pharaoh (king)

The word "pharaoh" means

- a) King b) people c) queen d) public

2. Mrs. Green helps the school a lot. She just gave a big donation _ a present of six new computers.

The word "donation" equals to

- a) Punishment b) prize c) computer d) box

3. The government must give benefits (free education, health care, etc.) to parents of poor families.

The word "benefit" equals to

- A) Efficient b) advertise c) support d) prevent

طراحان شیطان :

بچه ها الان به 4 سالی هست که طراح از شما می پرسه کدوم کلمه رو ما توی متن توضیح دادیم که شما سه سوت دنبال علامت های نشانه گذاری می کردی:

مثال:

Adult lions have fur that varies in color from light brown to reddish brown. The fur of the tail is darker. The male lions grow a mane, the long hair around the shoulders. Which grows darker and fuller as the animal ages. Cubs are born with thickly spotted fur, which helps them hide from dangerous animals. The spots gradually lose color as the cubs grow up, sometimes remaining on the legs and belly until the lion grows fully.

Which of the following words is defined in the passage?

- a) Cub b) shoulder c) mane d) spot

تیپ پنجم:

پیه ؟

چی شده؟

طراحه دیگه؟ دلش می خواد از معنی دوم کلمه سوال بده!!!!!! دلش می خواد

زورش زیاده.

1. Smile let your audience know that you are human and trustworthy.

The word "human" equals to

- a) Mankind b) kind c) cruel d) disrespectful

2. Improvements have come in many forms, including better covering, windows, and construction materials.

- a) Such as b) as c) instead of d) without

1) The sky was clouded yesterday.

آسمان دیروز ابری بود

2) Anger clouded his judgment

عصبانیت قوه ی قضاوت او را مفتل کرد.

3) This is a firm apple.

این یک سیب سفت است

4) He needs a firm hand to help him.

او یک فرد قابل اعتماد نیاز دارد که به او کمک کند

5. He had a heart attack.

او حمله ی قلبی کرد

6. He wanted to be at the heart of the city.

او می خواست در مرکز (قلب زنره) شهر باشد

Some examples

1. A musical comedy has a plot with songs and dances connected to it.

- a) Story b) map c) ground d) building

گزینه 1 صحیح است

یک کمدی موزیکال داستانی دارد که آهنگ ها و رقص هایی متصل به آن هستند.

2. Of all the great features of the internet, none has attracted the public attention and contributed to the net's growth so much as the world wide which is a method of posting and accessing interactive multimedia information.

- a) Quality b) message c) role d) edition

گزینه ی 1 صحیح است

از تمام بزرگترین features ها اینترنت، هیچ چیز توجه مردم را جذب نکرده است.

3. Lasers can be used to create stunning visual effects.

- a) Terrible b) excellent c) confused d) embarrassed

گزینه 2 صحیح است

از لیزر می توان برای خلق جلوه های بصری شگفت انگیز استفاده کرد

4. The arms will move the piece and astronauts as they work. It's all in a day's work, but it is definitely a hard day.

- a) Regularly b) carefully c) certainly d) nearly

گزینه 3 صحیح است

تمام این کارها در یک روز کاری می باشد. اما بطور definitely کار سختی است.

5. This tree is hardy one that can live for 1500 years.

- a) Strong b) funny c) white d) tasty

گزینه 1 صحیح است

این درخت، درختی جان سفت و قوی است که می تواند برای 1500 سال اینده زنده بماند

6. Nitrogen dioxide (NO₂) is a gas with a brownish hue.

- a) Color b) smell c) thickness d) smoke

گزینه 1 صحیح است

No₂ گازی است که رنگ مایل به قهوه ای دارد

7. However, he published his dialogue on the two principal system of the world in which he again defended the theory of Copernicus.

- a) Supported b) stated c) explained d) changed

گزینه ی 1 صحیح است

او دوباره از تئوری کوپرنیک defended کرد.

8. This disease has many etiologies rather than a single cause known to doctors.

- a) Beginnings b) patterns c) signs d) causes

گزینه 4 صحیح است

این بیماری علل زیادی دارد، در عوض اینکه یک علت واحد شناخته شده برای پزشکان داشته باشد

نوع سوم سوالات درک مطلب



فصل سوم: چگونه سوالات مربوط به یافتن جزئیات را پاسخ دهیم؟

راه تشخیص :

صورت سوالات مربوط به این بخش معمولاً به شرح زیر می باشد:

1. According to the passage / text
2. According to the author/writer.....
3. It is true/correct that
4. It is false / wrong that
5. The writer mentions / states that.....
6. The passage/ text says that.....

7. It is stated in the passage that.....

8. The passage states that.....

9. The text suggest that.....

تذکره مهم : علاوه بر موارد فوق هرگاه سوال ناقص دیدیم باز هم سوال در مورد جزئیات خواهد بود.

چگونه سوال مربوط به جزئیات را حل کنیم؟

Rope making is one of the oldest trades in the world. It is known that rope was made over 5000 years ago, because pieces of rope have been discovered in ancient Egypt. Some of these were made from camel hair and others were made from grass.

The passage says that.....

- a) Rope was made from both plants and animals.
- b) Rope was made from neither plants nor animals.
- c) Rope was made just from the hair of animals.
- d) Rope was made only from the grass.

It may be interesting for us to know something about birds.

Birds doesn't fly high up in the sky because the thin air does not hold them up and also it becomes difficult for them to breathe.

They fly near the ground so that they can see where they are and look for places they know. Many birds fly at night, so that they can rest and eat during the day. They know when to fly south.

Perhaps, cold weather and shorter autumn days tell them when to migrate. They fly south because they know when winter comes, there will be little food for them to eat in the north.

1. Birds do not fly high up in the sky because they can't There.

- a) breathe well b) eat and rest c) find insects d) look for places

2. Some birds fly at night because they

- a) Are able to fly much faster than. b) Are afraid of flying during the day
c) Can find food in daylight better d) can breathe more easily at night

3. Some birds fly near the ground so that they.....

- A) Can see where they are b) can see their enemies
c) Can find some seeds d) can increase their speed

Donna black is six years old. She is the daughter of a millionaire. On April 9 Donna went to school as usual. She always went by car. But that morning when she arrived at school, three men were waiting. When Donna opened the door of the car, the men caught her. They pushed her into another car and took her to an apartment. Then they telephoned her father. They asked him 10 million dollars.

1. Donna was taken away

- a) Near her house b) in front of her house
c) On the way to school d) while returning from school

2. The men telephoned Donna's father

- a) Because they wanted money b) before they took her to an apartment
c) To take her to her father d) when they left house

Some examples

Some travel to country where the language is spoken to learn it. However most people do not have enough money to go abroad. Some people need the language to do their work better.

According to the text, most people do not have enough money to

- a) Do their work better
- b) Go to evening language classes
- c) Read foreign books and reports
- d) Travel to English speaking countries

گزینه 4 صحیح است

کلمات کلیدی موجود در صورت سوالات people , have , money می باشند و با دقت در متن می توان این کلمات کلیدی را رد جمله ی دوم متن پیدا کرد و با خواندن جمله متن می توان متوجه شد که بیشتر مردم پول کافی برای abroad یعنی خارج رفتن را ندارند.

A lot of people don't like to live in noisy, dirty and crowded cities. They are tired of the traffic and the pollution in the air and the rubbish spread in their surroundings. Then, they are happy if they can stay in villages near their cities for a short time. They enjoy the clean air, the quiet and the beautiful nature there. But because they can no longer use the big stores, cinemas and the excitement of the city they don't like to stay there for a long time.

On the other, villages enjoy visiting the city for a day or two buy the thing they don't get in their villages. They may often find the city a rather frightening place and are usually happy when they get back to their own villages.

Because of the traffic and pollution

- a) People in the cities sometimes go to villages
- b) Villagers sometimes go to the cities
- c) Villagers buy necessary thing
- d) People spread rubbish there

گزینه 1 صحیح است

کلمات کلیدی موجود در صورت سوال دو کلمه ی traffic و pollution می باشد و با جستجو در متن می توان این کلمات کلیدی را رد جمله دوم متن پیدا کرد.

همانطور که می دانید در سوالات مربوط به یافتن جزئیات تنها کافی است خود جمله و همچنین جملات قبل و بعد را بخوانید و اولویت هم با جمله بعد فواید بود.

و با خواندن جمله بعد (جمله ی سوم) می توان متوجه شد که موضوع در مورد مردمانی است که از شهر به روستا می روند.

Some people think that sports and games are not important things to do. They prefer going to cinema, listening to the radio or sleeping. But sports and games should not be considered just an amusement. They are very necessary, especially for those who work with their brains.

According to the passage, playing sports and games arefor people who work with their brains.

- a) An amusement b) not important c) Waste of time d) very necessary

گزینه 4 صحیح است

مربع کلمه they در جمله چهارم دو کلمه ی games sports و در جمله ی سوم می باشد

همانطور که مشخص است کلمات کلیدی موجود در صورت سوال کلمات people, sports, games, are, who, work, brain می باشند و اغلب دانش آموزان در ابتدا دچار این اشتباه می شوند که فکر می کنند بیشتر این کلمات کلیدی در جمله اول متن قرار دارد و گزینه 2 را به اشتباه انتخاب می کنند

ولی با توجه به اینکه مربع they دو کلمه ی sports , games می باشد میتوان به این نتیجه رسید که بیشترین تعداد کلمات کلیدی در جمله ی آخر متن قرار دارد و جواب گزینه ی چهار فوادر بود

Tomas Edison contributed to the world's community more than any other inventors. When he passed away in 1931, Americans wondered how they could show their respect for him.

One of the suggestions made was that Americans shut off electricity for one minute. Perhaps this suggestion made people find out the importance of his invention. Electric power was so important that shutting it off even for a short time would certainly result in a lot of problems.

People made up their minds to show their respect to him when

- a) He invented the bulb
b) People realized the importance of electricity
c) He died in 1931
d) Electric power was 100 years old

گزینه ی 3 صحیح است

همانگونه که مشخص است کلمات کلیدی موجود در صورت سوال عبارتند از people, made up, show , respect, when و با skim کردن متن کاملاً مشخص است که بیشترین تعداد این کلمات کلیدی در جمله ی دوم متن قرار دارد و با خواندن جمله ی دوم متن متوجه می شویم که ماچرا در مورد فوت آقای ادیسون در تاریخ 1931 است

Most people do not realize that the **skin** is one of the most important organs of the body. It is not commonly known that it shows your age, your race and the condition of your health. Your skin controls heat gain and loss so that normally your body temperature remain 37 degrees centigrade.

According to the passage, the **skin**.....

- a) Can show the state of your health
- b) Is the most important organ of your body
- c) Is the cause of the bodies heat
- d) Keeps the body temperature constant

گزینه ی 4 صحیح است

تنها کلمه ی کلیدی موجود در صورت سوال کلمه ی **skin** است و با **skim** متن متوجه می شویم که تنها در جمله اول متن است که این کلمه وجود دارد و در انتها با خواندن جمله ی اول متن می توانیم به گزینه ی 4 برسیم.

Mechanized farming means the use of the modern machinery on farm. On many **modern farms**, the **work** of laborers is done by up to date machines. The use of these machines helps to have a lot of time and labor and brings in big profits.

According to the passage, the **work** on **modern farms** could be done by

- a) Metals
- b) machines
- c) laborers
- d) hands

گزینه ی 2 صحیح است

کلمات کلیدی موجود در صورت سوال عبارتند از **work , modern , farms** و همانطور که می دانیم پس از مشخص شدن کلمات کلیدی باید متن را **skim** کنیم و با **skim** کردن متن می توان فهمید که تمام کلمات کلیدی در جمله ی دوم متن قرار دارند و بر اساس جمله دوم متن تنها پاسخ گزینه 2 خواهد بود

The average woman in **England** earns less than the average man. She is usually employed in a lower-paid job and she doesn't have the same salary. She isn't promoted as often as the average man, and she isn't offered the same training.

According to the passage, in **England**

- a) Women work harder than man
- b) Women and men are not treated the same
- c) Women are richer than the men
- d) Women are usually poor

گزینه 2 صحیح است

کلمه کلیدی موجود در صورت سوال کلمه ی **England** است و این کلمه به صورت مشهود در جمله ی اول متن قرار دارد و با خواندن جمله ی اول متن می توان به پاسخ یعنی به گزینه 2 رسید.
(یک خانم میانسال در انگلستان کمتر از یک آقای میانسال پول به دست می آورد و ...)

The subject matter of psychology is behavior, and the job of psychologist is to study, understand and explain behavior. And the job of psychologists believe that they cannot answer all the questions and solve all the questions and solve all the problems.

Psychology as a science is only hundred years old but there have been improvements during this period. Nowadays, psychologists are found in hospitals, factories and at educational centers and use their knowledge in different ways.

According to the passage **psychologist** believe that.....

- a) Only in educational centers
- b) Only in hospitals
- c) In universities in order to use their knowledge
- d) In schools, hospitals as well as factories

گزینه 3 صحیح است

کلمات کلیدی موجود در صورت سوال کلمات **psychologist , believe** هستند و این کلمات در جمله ی دوم متن آمده اند و با خواندن جمله دوم متن متوجه می شویم که در انتهای جمله به پاسخ مورد نظر ما اشاره شده است.

Have you ever wondered how the various tribes were able to have relations while they spoke such different languages? The answer is sign language, which is a language based on hand movements. Sign language developed from a need for the member of various tribes to make themselves understood to each other. There were many tribes and each tribe had its own language. Because this tribes often came into contact, there was a strong need to develop some forms of common language. With sign language were able to have relations with one another.

Which questions is true about sign language?

- a) It is spoken language
- b) It is a written language
- c) A language based on road signs
- d) A language based on hand movements

گزینه 4 صحیح است

کلمات کلیدی موجود در صورت سوال عبارتند از: sign, languages که شما می توانید این کلمات کلیدی را در جمله ی دوم متن پیدا کنید و بر اسا جمله دوم متن پاسخ گزینه 4 فوادر بود.

نوع چهارم سوالات درک مطلب



فصل چهارم: سوالات استثنا را چگونه پاسخ دهیم؟

راه تشفیص :

All of the following are true except.....

Which one is not understood from text?

Which of the following is not mentioned?

Which of the following sentence is not correct?

Which of the following is not true?

Which of the following is true?

According to the law of science, energy can neither be created nor destroyed. It can simply be transformed from one form into another. This is known as the law of conservation of energy. The total energy of the universe is constant but it changes from one form into another. The motion of trains, buses, cars involve the change of heat energy into mechanical energy. The chemical energy, in petrol, coal...

Changes into heat energy of burning. In an electrical bulb the electrical energy is converted into heat.

Which sentence is correct?

- a) The total energy of the universe increases
- b) The total energy of the universe decreases
- c) The total energy of the universe is not constant
- d) The total energy of the universe is constant

Most people don't realize that the skin is one of the most important organs of the body. It is not commonly known that it shows your age, your race and the condition of your health. Your skin controls heat gain and loss so that normally your body temperature remains 37 degrees centigrade. About two square meters of skin covers the average adult. Your skin is not just something that covers the outside of your body. It is an important organ working to keep you in a good health.

Which of the following sentences is false according to the passage?

- a) Most people are not aware of the importance of skin
- b) A grown-up normally has two square meters of skin on his body
- c) Everybody knows that the skin can show his age.
- d) The skin serves other purposes than just covering your body

Some examples

Mary was very fond of televisions, so when she met a young man who worked for a televisions company, she was very interested and asked him a lot of questions.

She discovered that he had also worked for a film company, so she asked him if there was any difference between film work and television work.

Well, answered the young man, there is one very big difference. If someone makes a mistake while a film is being made, it is, of course possible to stop and do the scene again. In fact, one can do it over and over again a lot of times. Mistakes do not know that anything went wrong.

In a live television show, on the other hand, the audience can see any mistakes that are made.

According to the passage, which statement is not true?

- a) Audience can see mistakes in television shows
- b) Audience can see films having mistakes
- c) Films differ from television shows
- d) The young man is not Mary's brother

گزینه 2 صحیح است

در خط هشتم اشاره شده است : **but the audience who see the film when it is finished do not**

know that anything went wrong (اما حضاری که بعد از اتمام فیلم برداری ، فیلم را مشاهده می کنند اطلاعی از اشتباه

فیلم ندارند

در حالی که در گزینه 2 اشاره می کند که حضار می توانند فیلم هایی را مشاهده کنند که دارای اشتباه می باشند. که این گزینه اشتباه است

Before having artificial satellites, scientists used radio telescope to obtain information about the planets and stars. Big radio telescopes like the one at Kordell bank in England are also valuable sources of information. They pick up radio signals from space. Our knowledge has been increased by information transmitted by instruments which have been landed on the moon, mars and Venus. Every satellite which is sent up, is like a small laboratory packed with instruments to measure everything from temperature to radiation levels.

Which statements is not true about satellites?

- a) They increase our knowledge about other planets
- b) They are sent into space
- c) They are small laboratories with instruments
- d) They give us many different kinds of information.

گزینه 3 صحیح است

همانطور که در متن برایتان مشخص کردم (قسمت رنگی شده) توضیح داده شده که ماهواره ها مانند یک آزمایشگاه کوچک هستند، نه خود آزمایشگاه

پس بر این اساس گزینه شماره 3 اشتباه می باشد.

There are three basic kind of materials that can be found in any good library. First, there are books on all subjects, both in English and in many other languages. These books are organized to topic, subject, and writer in a central file called the card catalog.

Books can generally be checked out of the library and taken home for a period of two to four weeks. Second, there are reference books which include encyclopedias, dictionaries, bibliographies, atlases, etc., which generally must be used in the library itself.

Third, there are periodicals, such as magazines, newspapers, pamphlets which are filed alphabetically or which have been microfilmed to save space. Like reference works, periodicals cannot usual be removed from library.

Book in libraries are organized according to the following except

- a) Writer
- b) subject
- c) title
- d) color

گزینه 4 صحیح است

اگر کلمات کلیدی صورت سوال را scan کنید می بینید که در خط سوم آمده است

These books are organized to subject, topic and writer

طبقه بندی کتب بر اساس نویسنده، موضوع و عنوان کتاب می باشند و به رنگ اشاره ای نشده است

About 200 million years ago, much of the earth was very warm and wet all year. This heat and wet air caused thick plants and tall trees to cover the land and make jungles where many animals began to appear.

Dinosaurs were the first group of animals to appear on the earth 140 million years ago. Some dinosaurs were as tall as a three- story building. Others were as small as cats. Studying fossils gives us facts about dinosaurs. For example, the shape of a dinosaur's teeth give us information about whether it ate meat or plants. Why did dinosaurs disappear from the earth? Many people believe that it was because of a change in the earth's weather.

All of the following facts about dinosaurs are true except that....

- a) They ate meat or plants
- b) They were as big as thick plants
- c) They were the size of a cat
- d) They came in different sizes

گزینه 2 صحیح است

اگر به قسمت مشخص شده در متن توجه کنید متوجه خواهید شد که در متن تنها به قد دایناسورها اشاره شده و به بزرگی آن ها هیچ اشاره ای نشده است.

In the 18 century, long before books, radio and television stations existed, many people learned a language different from their own. In a world full of printed and spoken words today, people have a better chance to learn language. Many people learn languages because language is the most useful tool for communication. It lets us think, learn, and share our thoughts and feeling with others. It makes man free from his anger. It is a source of comfort or delight. Language is important because it grows and changes like a living organism. Language can influence a single human being or more millions in one moment.

Which sentence is not mentioned in the text?

- a) Language is a tool for communication
- b) Language makes man free from his anger
- c) Language is a source of comfort or delight
- d) Language is a communication among animals

گزینه 4 صحیح است

کلمات کلیدی موجود در گزینه ها مشخص شده است و همانطور که ملاحظه می کنید بیشترین تکرار این کلمات کلیدی در جمله ی سوم متن قرار دارد و با خواندن جمله ی سوم متن متوجه می شوید که زبان وسیله ی ارتباطی برای انسان است نه حیوان.

In the pilots opinion , the main problem were food – it could be possible to find fruit in the jungle, water-they were just at the end of the rainy seasons and could expect storms every two or three days, but would have to find ways of collecting and storing the water, the direction they would take with the sun and their watches, it would be relatively simple to calculate where the north was, but in the depth of the tropical forest it would be terribly easy to lose their way.

Which sentence is wrong according to this text?

- a) They could calculate their direction
- b) They could collect water
- c) They could find something to eat
- d) They found their way in the forest easily

گزینه 4 صحیح است

اگر به جمله ی آخر متن توجه کنید کاملاً مشخص است که آن ها راه خود را گم کرده اند . در صورتی که در گزینه 4 گفته است که آن ها راه خود را به سادگی یافته اند!!!

نوع پنجم سوالات درک مطلب



فصل پنجم : چگونه مربع یک کلمه را پیدا کنیم؟

یاد آوری:

ضمایر فاعلی : I , you , he , she , it , we , they

ضمایر مفعولی : me , you , him , her , it , us , them

ضمایر ملکی : mine , yours , his , hers , its , ours , theirs

ضمایر اشاره : this , that , these , those

ضمایر موصولی : which , who , when , where , that

صفات ملکی : my , your , his , her , its , our , their

راه تشفیص :

1. What does "it" in line 3 refer to?

2. What does "they" in line 5 refer to?

3. The word "him" in line 4 refers to.....?

چگونه سوالات مربوط به یافتن مرجع را پاسخ بگوییم؟

(1)

1. There is an interesting characteristic of the higher forms animals compared to those lower forms in the world of animals. Higher forms of animals have a verity of system within their bodies.

In line 4, "their" refers to

- a) Both kinds of animals b) higher forms of animals
c) Lower forms of animals d) single-celled animals

2. A year is the time it takes the earth to orbit the sun. A day is how long it takes the earth to rotate once on its axis.

The underline word "its" refers to

- a) Time b) the sun c) the earth d) day

3. Because of extraordinary senses, animals can often feel an earthquake at its earliest stage before a human around it can.

The word "its" refers to

- a) Earthquake b) human c) animal d) stage

4. Foreigners often think that this kind of recreation sounds more like work than relaxation. For many Americans, however their recreational activities are relaxing and enjoyable.

The word "their" refers to

- a) Americans b) foreigners c) recreation d) relaxation

5. The oceans have a stormy balancing force on this cycle. They face to the atmosphere to maintain an animal constant average value of steam in the atmosphere.

The word "they" refers to

- a) Cycle b) balancing c) oceans d) atmosphere and ocean

6. From the sugar, the plants then make starch and cellulose. Animal eat the plants and in getting energy from the food, they return carbon dioxide to the air.

The word "they" refers to

- a) Animals b) starch and cellulose c) sugar and energy d) plants

7. Average global temperature has increased by almost over the past century, scientists expect the average global temperature to increase an addition 2 to 6 over the next one hundred years. This may not sound like much, but it could change the earth's climate as never before.

The pronoun "it" refers to

- a) Average global temperature b) global temperature increase
c) The earth's climate d) the next century

1. Despite its apparent brightness, the sun really is a star and perfectly ordinary one too. This may seem hard to believe because the sun is so bright and hot and lights up the sky.

The underline word "this" refers to the fact that..... .

- a) The sun is bright
- b) the sun is a star
- c) The sun is apparently
- d) the sun is an ordinary star

2. He killed the wolves, but he was badly hurt himself. After that he was so tired that he fell asleep.

- a) Being tired
- b) falling asleep
- c) killing the wolves
- d) hurting himself

3. At least he stopped to let the translator translate it into Japanese and was very surprised when he did this in a few seconds.

The word "this" refers to

- a) being surprised
- b) translating the story
- c) Letting him translate
- d) stop the lecture

1. Nelson suffered a lot due to his father's death, but he never asked her a charity, he just worked hard and finally went to university where he studied history and language.

The word "where" refers to.....

- a) Charity b) Africa c) the village d) the university

2. It can also be morally and psychologically risky given that mining often takes place in remotes areas where law, schools, social services are unknown.

The word "where" refers to

- a) Remote areas b) community c) social services d) schools

3. The USGS, United States geological survey, reported a magnitude of 6.6 for the quake, which was located just southwest of the city. About 60 percent of the buildings in Bam were destroyed. The old quarter of the city and the 2000 years old citadel which were severely damaged by the earthquake were built primarily of mud brick.

The pronoun "which" refers to

- a) The city of bam
b) The old quarter of the city and the citadel
c) The southwestern part of the old quarter
d) The earthquake

4. A wise decision should include investigation of the allegations that processed foods contain chemicals, some of which are proven to be toxic.

- a) Allegations b) chemicals c) processed foods d) unprocessed foods

5. the over changing nature of the atmosphere, the great computational power required to solve the equations that describe the atmosphere, error involved in

measuring the initial conditions, and an incomplete understanding of atmospheric processes mean that forecast become less accurate as the difference in current time and the time for which the forecast is being made increases.

- a) processes b) forecasts c) different in current time d) time

4

1. Thomas Edison moved to Menlo Park, New Jersey, in 1876, where he built an industrial research lab. There Edison worked on a carbon telephone transmitter to improve the existing bell system.

- a) new jersey b) Menlo park c) phonograph d) laboratory

5

1. But newton was not satisfied with the telescopes that were available. To get a better one, he invented a new kind a reflecting telescope.

The word "one" refers to

- a) Kind b) view c) experiment d) telescope

2. In many countries there are special camp sites for tourists, so you do not always have to carry a tent with you. The campsite may provide one.

The word "one" refers to.....

- a) Site b) tent c) tourist d) country

Some examples

Nelson Mandela was born in Quna, a small village in South Africa. His father was an important man in the village, but he died when Nelson was still young.

Nelson suffered a lot due to his father's death, but he never asked her a charity, he just worked hard and finally went to a university where he studied history and language.

- a) charity b) Africa c) the village d) the university

گزینه ی 4 صحیح است

طبق توضیحات داده شده از کلمه **where** باید به سمت عقب حرکت کرد تا به اولین اسم مکان برسیم

Buildings have a big impact on the environment. They use more energy than any other economic category, including transportation and industry.

The underline word "they" refers to

- a) engineers
b) transportation and industry
c) buildings
d) people

گزینه 3 صحیح است

همانطور که گفته شد از کلمه ی **they** به سمت عقب حرکت می کنیم تا به اولین اسم جمع برسیم و اولین اسم جمعی که به آن می رسیم **buildings** می باشد.

Today it is mainly women's shoes that are made to different patterns from year to year- men's shoes change much less, although in past centuries they have varied as much as women's.

The word "they" refers to

- a) women's shoes
- b) patterns
- c) men
- d) men's shoe's

گزینه 4 صحیح است

اگر از کلمه ی **they** به سمت عقب حرکت کنید به اولین اسم جمع‌ی که می‌رسید **men's shoe's** خواهد بود.

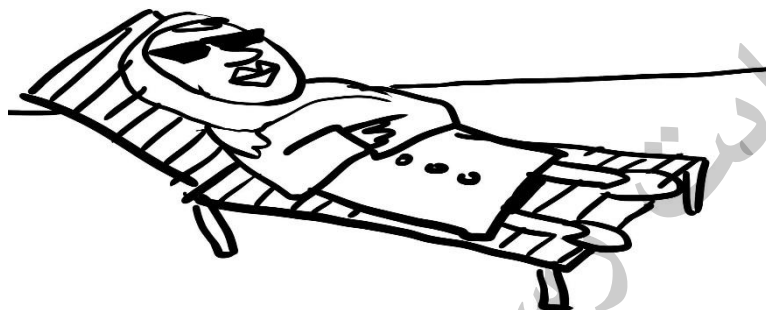
One of the great problems that the world faces is overpopulation experts tell us that unless it is brought under control, population growth will produce a serious problem in the world is food supply in few years.

The word "it" refers to

- a) problem
- b) world
- c) food supply
- d) population growth

گزینه 4 صحیح است

اگر از کلمه **it** به سمت عقب حرکت کنیم به اولین اسم مفردی که می‌رسیم کلمه ی **overpopulation** است که معنی آن جمعیت زیاد است. که این کلمه با گزینه ی 4 مترادف خواهد بود



Cloze test

برای حل کردن این نوع از سوالات باید قوانین زیر رو به ترتیب رعایت کنید

The atmosphere keeps a part of the sun's light from reaching the earth, plants and animals could not(1) on the earth without some light and(2)from the sun. but if all of the sun's light and heat(3).....the earth, they would kill living things.(4)....., the earth's covering of air prevents sudden great changes in such changes would be dangerous for living things.

- | | | | |
|----------------|------------|----------------|--------------|
| 1) a) breathe | b) keep | c) live | d) work |
| 2) a) cloud | b) heat | c) rain | d) storm |
| 3) a) radiated | b) reached | c) reflected | d) produced |
| 4) a) although | b) whether | c) until | d) therefore |
| 5) a) column | b) mixture | c) temperature | d) structure |

Earthquake is shaking of the earth's surface caused by rapid.....(1).....of the earth's rocky outer layer. Earthquakes.....(2)..... When energy stored within the earth suddenly releases. The energy is transmitted to the(3)..... Of the earth by earthquake waves.

(گزینۀ هاش رو هال ندارم بنویسم ، فوتون فکر کنید و گزینۀ مناسب رو به دست بیارید. تا یاد بگیرید که دیکه به گزینۀ ها نگاه نکنید)

The Eiffel tower moves upwards from the champ de mars, an open space in the west of Paris. It was built for the Paris exhibition of 1889 by the French engineer, alexander-Gustavo Eiffel, who was by then famous for his(1)..... of bridges in France and in several countries abroad. The tower is built of steel bars..... (2).....some7, 000 tones. It is 322 meters high from the base of the structure,..... (3)..... a 17 meter television antenna. It is a/an (4).....visiting place for tourists seeking bird's eye view of Paris.

- | | | | |
|--------------------|--------------|---------------|--------------|
| 1) a) construction | b) function | c) projection | d) formation |
| 2) a) carrying | b) recycling | c) ranking | d) weighing |
| 3) a) joining | b) including | c) releasing | d) linking |
| 4) a) effective | b) efficient | c) attractive | d) developed |

Youris really muscle. It's located to the left of your chest, and about size of your fist. There are lots of muscles all over your body, but the heart muscle is special because of what it does. The heart.....blood around your body. The blood provides your body with oxygen and it needs. Your heart is sort of like a pump, or two pumps in one. The right side of your heart receives blood from the body and It to the lungs. The left side of the heart does the exactit receives blood from the lungs and pumps it around the body.

- | | | | |
|-----------------|---------------|---------------|---------------|
| 1. a) brain | b) vessel | c) head | d) heart |
| 2. a) stores | b) stretches | c) sends | d) bends |
| 3. a) nutrients | b) conditions | c) objects | d) endorphins |
| 4. a) consumes | b) requires | c) pumps | d) protects |
| 5. a) opposite | b) instance | c) experiment | d) importance |

قلب شما در واقع یک عضله است. قلب در سمت چپ سینه قرار دارد و به اندازه ی یک مشت است. عضلات زیادی در سراسر بدن شما وجود دارد، اما عضله ی قلب به خاطر کاری که انجام می دهد بی نظیر است. قلب خون را به سراسر بدن می فرستد. خون، اکسیژن و مواد مغزی که بدن نیاز دارد را تامین می کند. قلب شما شبیه تلمبه رفتار می کند. یا دو تلمبه کنار هم. یکی سمت راست قلبتان خون بدن را دریافت می کند و آن را به شش ها پمپاژ می کند. سمت چپ قلب درست برعکس عمل می کند. خون شش ها را می گیرد و آن را در سراسر بدن به گردش در می آورد.

- | | | | | |
|---------------------|---------------|-----------------|-------------|---------------|
| 1- گزینه 4 صحیح است | (1 مغز | (2 رگ | (3 سر | (4 قلب |
| 2- گزینه 3 صحیح است | (1 ذخیره کردن | (2 کشیدن | (3 فرستادن | (4 فم کردن |
| 3- گزینه 1 صحیح است | (1 ماده مغزی | (2 وضعیت | (3 شی | (4 اندورفین |
| 4- گزینه 3 صحیح است | (1 مصرف کردن | (2 احتیاج داشتن | (3 پمپ کردن | (4 حفاظت کردن |
| 5- گزینه 1 درست است | (1 متفاد | (2 مثال | (3 آزمایش | (4 اهمیت |

In the simple terms: if you want to lose weight, your daily food should be a little below normal. If you are overweight, no matter how The problem may appear, you need enough of the right foods to Energy for your daily if you are underweight and want to gain weight, you're eating food should be Normal, foods that will build muscle tissue and no fat. Whatever your problem, the first thing you must learn to do is to eat at certain times.

- | | | | |
|----------------|------------------|-------------------|---------------|
| 1) dangerous | 2) nervous | 3) anxious | 4) serious |
| 2) combine | 2) predict | 3) provide | 4) continue |
| 3) realities | 2) guarantees | 3) procedures | 4) activities |
| 4) for | 2) at | 3) under | 4) above |
| 5) giving back | 2) consisting of | 3) comparing with | 4) taking off |

به ساده ترین بیان : اگر می خواهید وزن کم کنید . مقدار غذای روزانه شما باید کمی پایین تر از حد معمول باشد . اگر اضافه وزن دارید ، صرف نظر از اینکه مشکلات تا چه اندازه چری به نظر می رسد باید به قدر کافی از غذاهای مناسب استفاده کنید تا انرژی لازم برای فعالیت های روزانه خود را تامین نمایید . اگر لاغر هستید و می خواهید به وزن مطلوب برسید ، باید غذایتان بیش از حد معمول باشد و شامل غذاهایی باشد که سازنده بافت عضلانی اند نه سازنده چربی . مشکلات هر چه که باشد ، اولین چیزی که باید یاد بگیرید خوردن در اوقات مشخص است .

- | | | | | |
|---------------------|----------------|-------------------|-----------------|-------------------|
| 1- گزینه 4 صحیح است | (1) خطرناک | (2) عصبی | (3) نگران | (4) چری |
| 2- گزینه 3 صحیح است | (1) ترکیب کردن | (2) پیش بینی کردن | (3) فراهم کردن | (4) ادامه دادن |
| 3- گزینه 4 صحیح است | (1) واقعیت | (2) تضمین | (3) شیوه | (4) فعالیت |
| 4- گزینه 4 صحیح است | (1) برای | (2) در | (3) زیر | (4) بیش از |
| 5- گزینه 2 صحیح است | (1) پس دادن | (2) شامل بودن | (3) مقایسه کردن | (4) در آوردن لباس |

Pamela was interested in travelling, and she always enjoyed seeing foreign lands and peopleafter experiencing theand fear of culture other than her own for a while, shebegan to wish for her own land and to think that there's no place like home. The culture of distant placesPamela, but she never forget that the place where she felt the happiest and mostwas in her own home with her family and friends.

- | | | | |
|------------------|----------------|-----------------|---------------|
| 1) a) while | b) however | c) although | d) unless |
| 2) a) excitement | b) experiment | c) movement | d) projection |
| 3) a) basically | b) recently | c) sufficiently | d) terribly |
| 4) a) prepared | b) organized | c) attracted | d) disturbed |
| 5) a) emotional | b) comfortable | c) responsible | d) personal |

(پاملا) به سفر کردن علاقه داشت و همیشه از دیدن سرزمین ها و افراد خارجی لذت می برد. با این حال بعد از تجربه ی هیپان و ترس از فرهنگ های غیر خودی برای مدتی ، او به شدت سرزمین خودش را آرزو کرد و شروع کرد به فکر کردن به این موضوع که هیچ جایی مثل خانه نمی شود. فرهنگ مکان های دور دست پاملا را میزوب خود کرد اما او هرگز فراموش نکرد که جایی که شارترین و راحت ترین احساس را داشت خانه ی خودش با خانواده و دوستانش بود

- | | | | | |
|-----------------------|---------------|-------------------|----------------|-----------------|
| 1- گزینه ی 2 صحیح است | 1) در حالی که | 2) با این حال | 3) اگرچه | 4) مگر آنکه |
| 2- گزینه ی 1 صحیح است | 1) هیپان | 2) آزمایش | 3) حرکت | 4) رسا بودن صدا |
| 3- گزینه ی 4 صحیح است | 1) اساسا | 2) افیرا | 3) به قدر کافی | 4) به شدت |
| 4- گزینه ی 3 صحیح است | 1) آماده کردن | 2) سازماندهی کردن | 3) جذب کردن | 4) مزاحم شدن |
| 5- گزینه ی 2 صحیح است | 1) عاطفی | 2) راحت | 3) جذب کردن | 4) مزاحم شدن |

Most slang words are used more in speaking than in writing. For this reason, few of them can be found in dictionaries slang words are among those used most often. Slang wordsby some groups such as workers, students, and musicians. They are used toa new object, idea or At first only the members of thegroups understand the slang words. Later, some of the slang words are used by other people.

- 1) a) although b) since c) however d) unless
 2) a) are awarded to b) are made up c) are performed by d) are written for
 3) a) describe b) support c) provide d) record
 4) a) experiment b) experience c) audience d) stance
 5) a) fashionable b) natural c) special d) regular

اگر کلمات عامیانه در صحبت کردن پیش از نگارش مورد استفاده قرار می گیرند. به این دلیل تعداد بسیار کمی از آن ها را می توان در فرهنگ های لغت یافت. با وجود این، کلمات عامیانه در میان وازگانی هستند که بیشتر مواقع به کار می روند. کلمات عامیانه توسط برخی گروه ها مانند کارگران ، دانش آموزان و موسیقی دانان سافته می شوند. از آن ها برای توصیف یک شی ایده یا تجربه ی جدید استفاده می شود.

در ابتدا تنها اعضای آن گروه خاص کلمات عامیانه را درک می کنند . بعد ها برخی از کلمات عامیانه توسط سایرین به کار می روند.

- (1) گزینه ی 1 صحیح است (1) اگرچه (2) چون (3) با این وجود (4) مگر این که
 (2) گزینه 2 صحیح است (1) اعطا می شوند (2) تشکیل می شوند (3) انجام می شوند (4) نوشته می شوند
 (3) گزینه 1 صحیح است (1) توصیف کردن (2) حمایت کردن (3) معیار کرده (4) ثبت کردن
 (4) گزینه 2 صحیح است (1) آزمایش (2) تجربه (3) عصار (4) طرز ایستادن
 (5) گزینه 3 صحیح است (1) متداول (2) طبیعی (3) مخصوص (4) منظم

Have you ever read about the life of the great French painter, Paul Gauguin?
He had a Job in a banking. Then, at the age of 35, heleft his
family and his job and the rest of his life to painting. Seven years
later he went to Tahiti. Gauguin'swas both selfish and brave. He
behaved like thishe was trying to understand himself.

- | | | | |
|----------------|----------------|--------------|-------------|
| 1) A) general | b) successful | c) similar | d) mild |
| 2) A) properly | b) efficiently | c) suddenly | d) mentally |
| 3) A) devoted | b) published | c) expressed | d) reduced |
| 4) A) variety | b) destruction | c) guarantee | d) decision |
| 5) A) however | b) since | c) though | d) whereas |

آیا تاکنون درباره ی زندگی پل گوگین، نقاش بزرگ فرانسوی، مطلبی خوانده اید؟ او شغل موفقى در بانکدارى داشت. سپس در سن 35 سالگى ناکوان خانواده و شغلش را رها کرد و بقیه عمرش را صرف نقاشى کرد. هفت سال بعد به تاهیتی رفت. تصمیم گوگین هم خودپسندانه و هم شجاعانه بود. او اینگونه رفتار کرد چون سعی داشت خود را بشناسد.

- | | | | | |
|---------------------|----------------|------------------|--------------|------------------------|
| 1) گزینه 2 صحیح است | 1) کلی | 2) موفق | 3) مشابه | 4) مختل |
| 2) گزینه 3 صحیح است | 1) به طور صحیح | 2) به طور کارآمد | 3) ناکوان | 4) از نظر روحى یا فکرى |
| 3) گزینه 1 صحیح است | 1) وقف کردن | 2) چاپ کردن | 3) بیان کردن | 4) کاهش دادن |
| 4) گزینه 4 صحیح است | 1) تنوع | 2) تفریب | 3) تضمین | 4) تصمیم |
| 5) گزینه 2 صحیح است | 1) به هر صاب | 2) چون | 3) اگرچه | 4) در حالى که |

Exercise makes a person healthy and active. It protects the strength andof the body. It has a good effect on the mindit makes our faces fresh and our shine. Itus to stand against diseases. A (n)weak person cannot do the task given to him very well and cannoton his work for hours. Thus, our country today needs strong men who can face dangers and difficulties with patience.

- | | | | |
|---------------|--------------|-------------|---------------|
| 1. A) ability | b) organ | c) quality | d) practice |
| 2. A) so | b) also | c) however | d) only |
| 3. A) climbs | b) defines | c) creates | d) enables |
| 4. A) deeply | b) carefully | c) actively | d) physically |
| 5. A) spend | b) bend | c) stretch | d) keep |

ورزش انسان را سالم و فعال می کند. ورزش از نیرو و توانایی بدن محافظت می کند. همچنین تاثیر مطلوبی بر ذهن دارد. ورزش باعث می شود صورتمان با طراوت و پشمانمان پر نور به نظر برسد. ورزش ما را قادر می سازد تا در برابر بیماری ها دوام بیاوریم. شفقتی که از لفاظ جسمانی ضعیف است نمی تواند وظایفی که به او محول شده را به خوبی انجام دهد و نمی تواند ساعت ها مشغول به کار باشند. بنابراین امروزه کشورمان به مردان قوی ای نیاز دارد که می تواند با شکستگی با فطرات و مشکلات مواجه شوند.

- | | | | | |
|---------------------|------------------|----------------|-----------------|------------------|
| 1- گزینه 1 صحیح است | (1) توانایی | (2) اندام | (3) ویژگی | (4) تمرین |
| 2- گزینه 2 صحیح است | (1) بنابراین | (2) همچنین | (3) با وجود این | (4) فقط |
| 3- گزینه 4 صحیح است | (1) بالا رفتن از | (2) تعریف کردن | (3) خلق کردن | (4) قادر ساختن |
| 4- گزینه 4 صحیح است | (1) عمیقاً | (2) با دقت | (3) فعالانه | (4) از لفاظ جسمی |
| 5- گزینه 1 صحیح است | (1) گذراندن | (2) خم شدن | (3) کشیدن | (4) نگه داشتن |

Part four: listening

بخش چهارم :

شنیداری

بفش اول : سوالات شنیداری ساده ترین بفش امتحانات زبان می باشد زیرا:

الف : فایل های شنیداری 3 از بلندگو بفش می شوند

ب) بین هر تکرار 30 ثانیه زمان وجود دارد

استراتژی سوالات شنیداری : (آنالیز)

اگر می فواید تمام سوالات شنیداری را حل کنید باید تک تک مراحل زیر را به ترتیب انجام دهید :

سر جلسه امتحان هنگامی که سوالات زبان توضیح می شود تا بفش شدن اولین فایل صوتی مقداری زمان وجود دارد که این زمان برای آنالیز سوالات شنیداری بسیاری حیاتی و مهم است

برای آنالیز سوالات زبان در جلسه امتحان باید بدانیم که این سوالات کلا به دو دسته تقسیم می شوند :

1. سوالات true و false

2. سوالات مربوط به پر کردن جای خالی

هدف و منظور از آنالیز کردن شنیداری :

در زبان انگلیسی هر جمله از یکسری از کلمات کلیدی (اسم ها , فعل ها , صفت) تشکیل شده است و در هنگام آنالیز کردن باید در ابتدا تمام کلیدی سوالات مشخص و پیدا شوند.

توجه : مشکل شما در بفش شنیداری این است که نمی دانید کجای فایل صوتی در مورد سوال شما بفش می کند.

Listening

دانش آموزان عزیز در این بخش به فایل صوتی گوش دهید سپس جملات صحیح را با (True) و جملات غلط را با (False) مشخص نمایید

- 1) Emad saw a lot of small fans. a. True b. False
- (2) Emad read about using wind power in Yazd's buildings. a. True b. False
- 3) Wind towers are natural air cooling systems. a. True b. False
- 4) Emad recommended going to Yazd in summer. a. True b. False

دانش آموزان عزیز به مکالمه زیر با دقت گوش دهید و سپس گزینه صحیح را انتخاب نمایید

- 5) She has read about the air pollution.....
 a. since last year b. recently c. for two days
- 6) She is worried about the
 a. environment b. education c. economy
- 7) Air is polluted because of so much..... gasses.
 a. harmful b. natural c. helpful
- 8) She wants to know how they can..... the problem.
 a. report b. realize c. overcome
- 9) She wants people to use fewer..... fuels.
 a. green b. fossil c. renewable

A: Do you have your own computer?

B: Yes, I owned a (10) -laptop when I was in university.

A: Have you ever (11) -any computer class?

B: Yes, years ago. I learned about Microsoft Word and Excel.

A: What are some advantages of using the computer?

B: With a computer connected to the Internet, we can (12)pay bills online.

A: Do you use other high-tech devices (13) -computers?

B: Yes, apart from a computer, I also use a (14)

دانش آموزان عزیز به متن زیر با دقت گوش دهید و جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

Dr. Asadi is answering this important question: "Why is it important to care for our elders?" I (15) first of all we need to remember that they are our mothers and fathers, and our first teachers. They teach us how to love, how to care, how to forgive and how to (16) –

..... Second, elders have more (17) ----- and wisdom than any one of us. They've (18) - so far and they've learned so much, we have a responsibility to learn from that wisdom